

چپتر
24

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

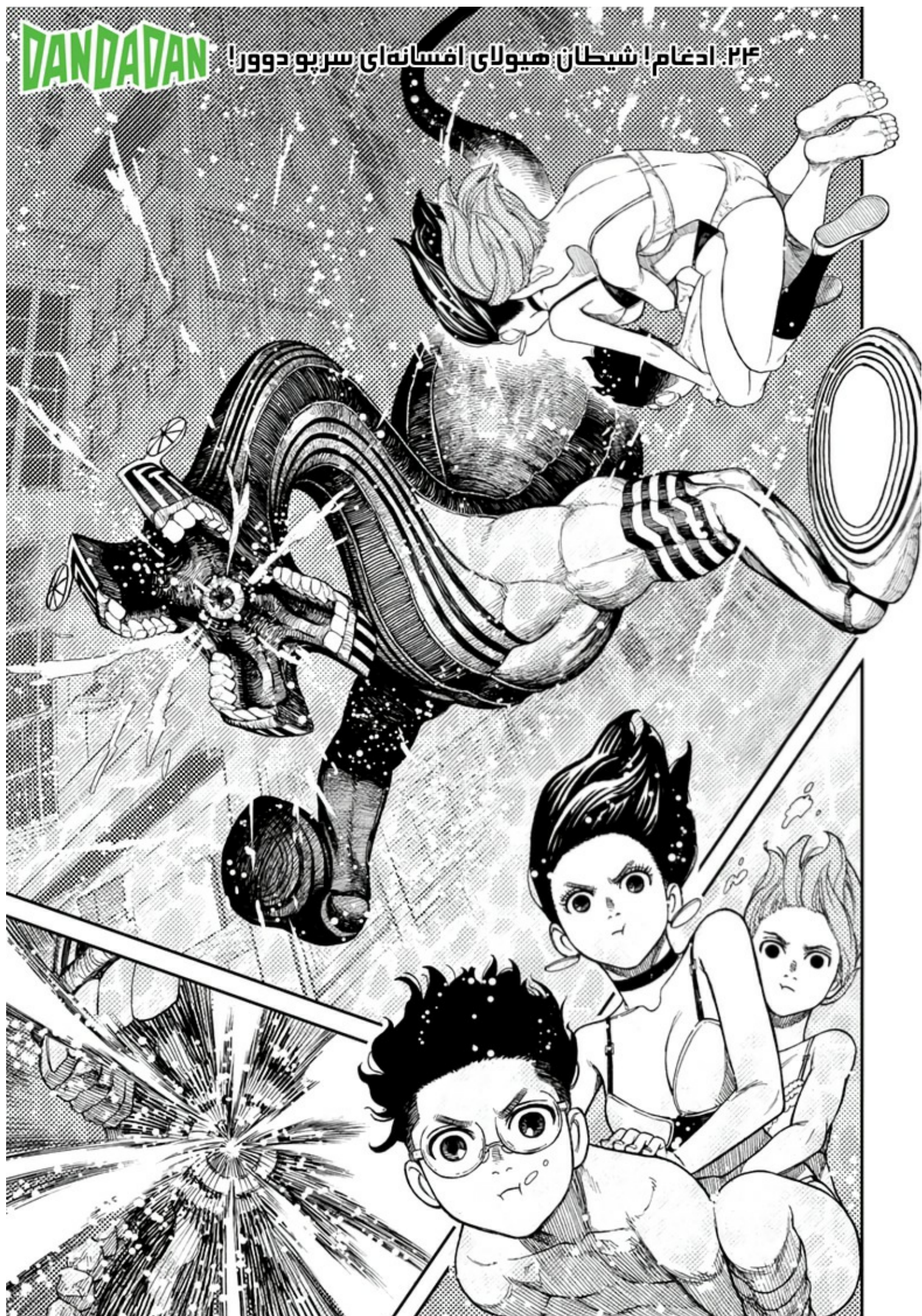
مانگا پلاس در تلگرام



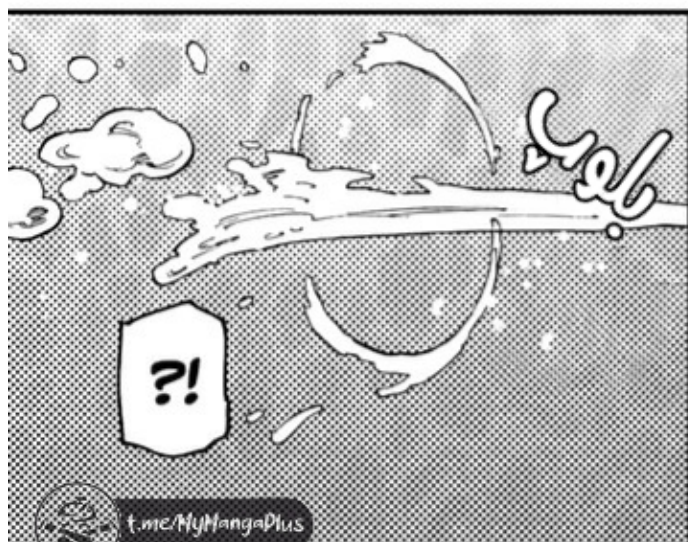
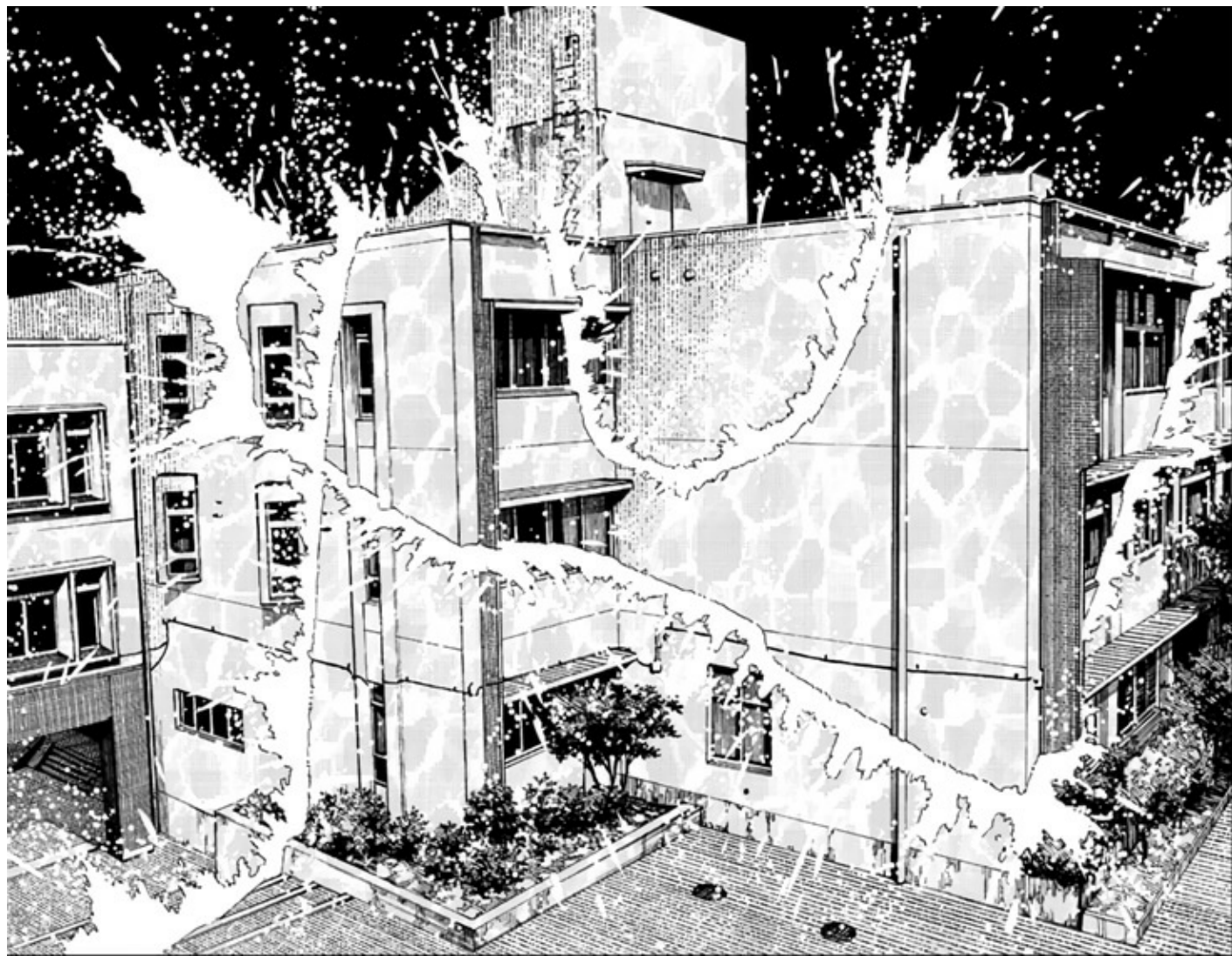
MyMangaPlus

DANDADAN

۲۴. ادغام! شیطان هیولای افسانه‌ای سرپو دوور!









مايه
شرمه.

بيرون
آب.

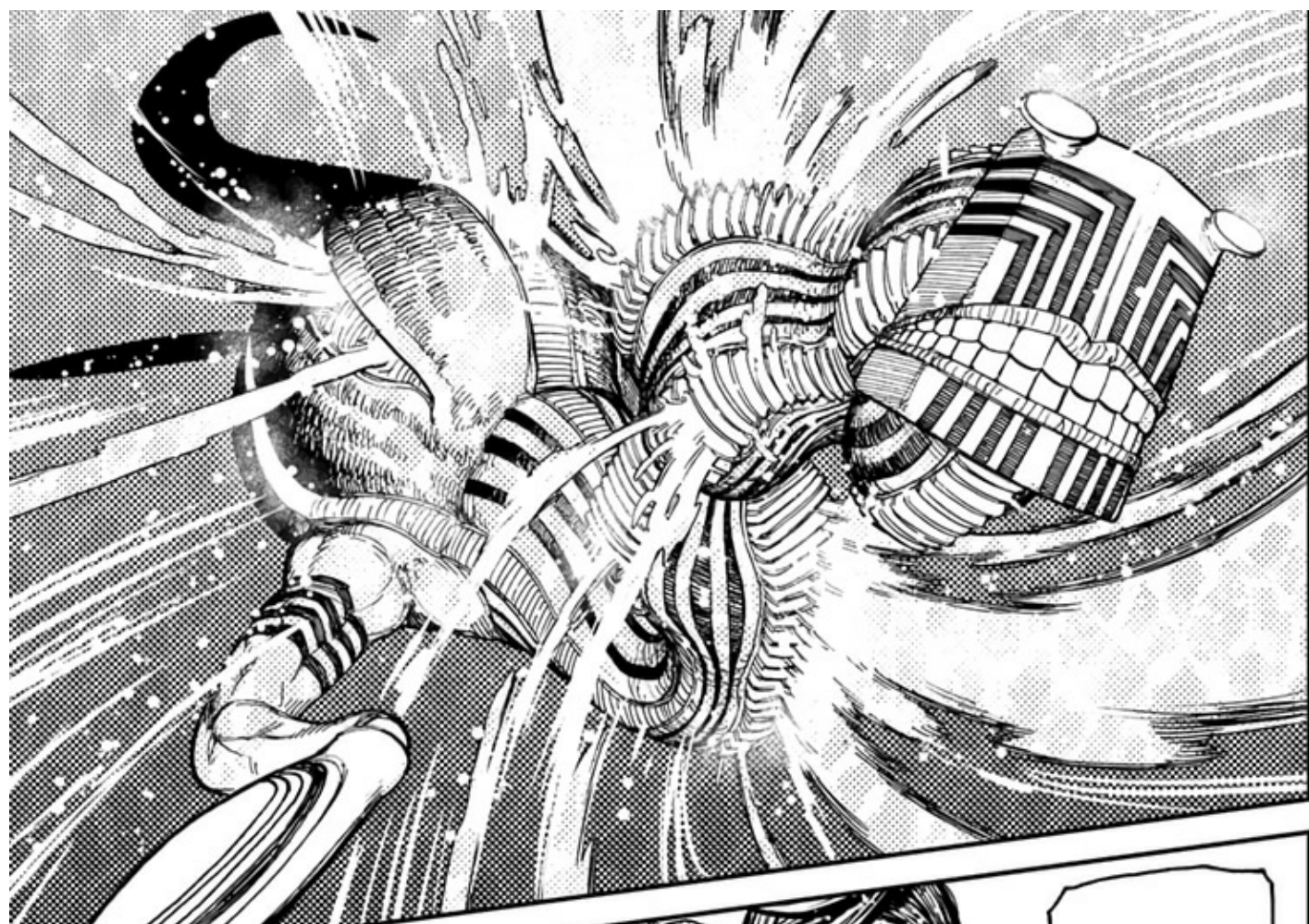
بالاه نزدیک
بود!

اون بی بود؟
همین پیزی
و بود خرابی هم
دارن؟

ای پروردگار!
دیگه نمی توانم
طاقت بیارم!



خانم آياسه،
نگاه کنين!



گردنش
توی آب! آب!

یعنی دیگه
نمی تونه مدرام از
اون لیزر استفاده
کنه!



این یعنی اگه
ما گردنش رو
بشکونیم...

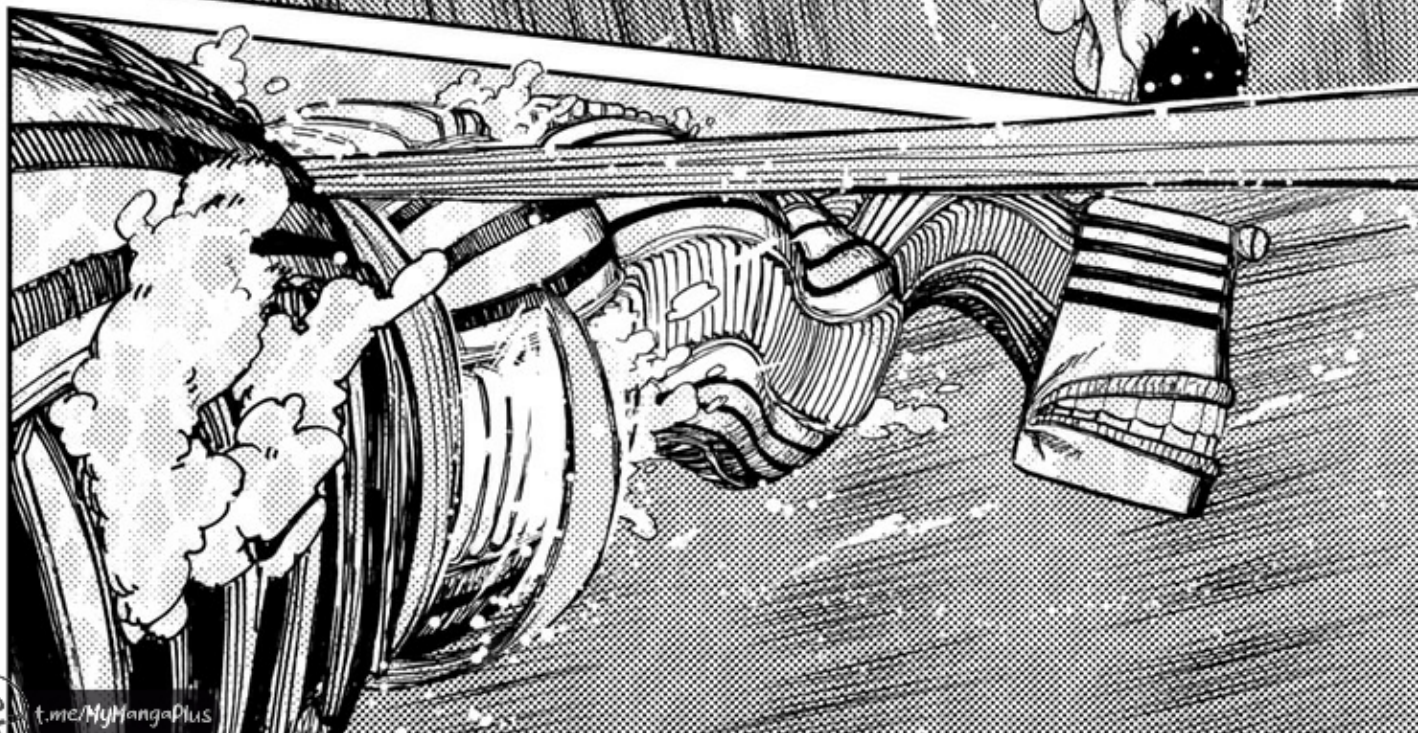
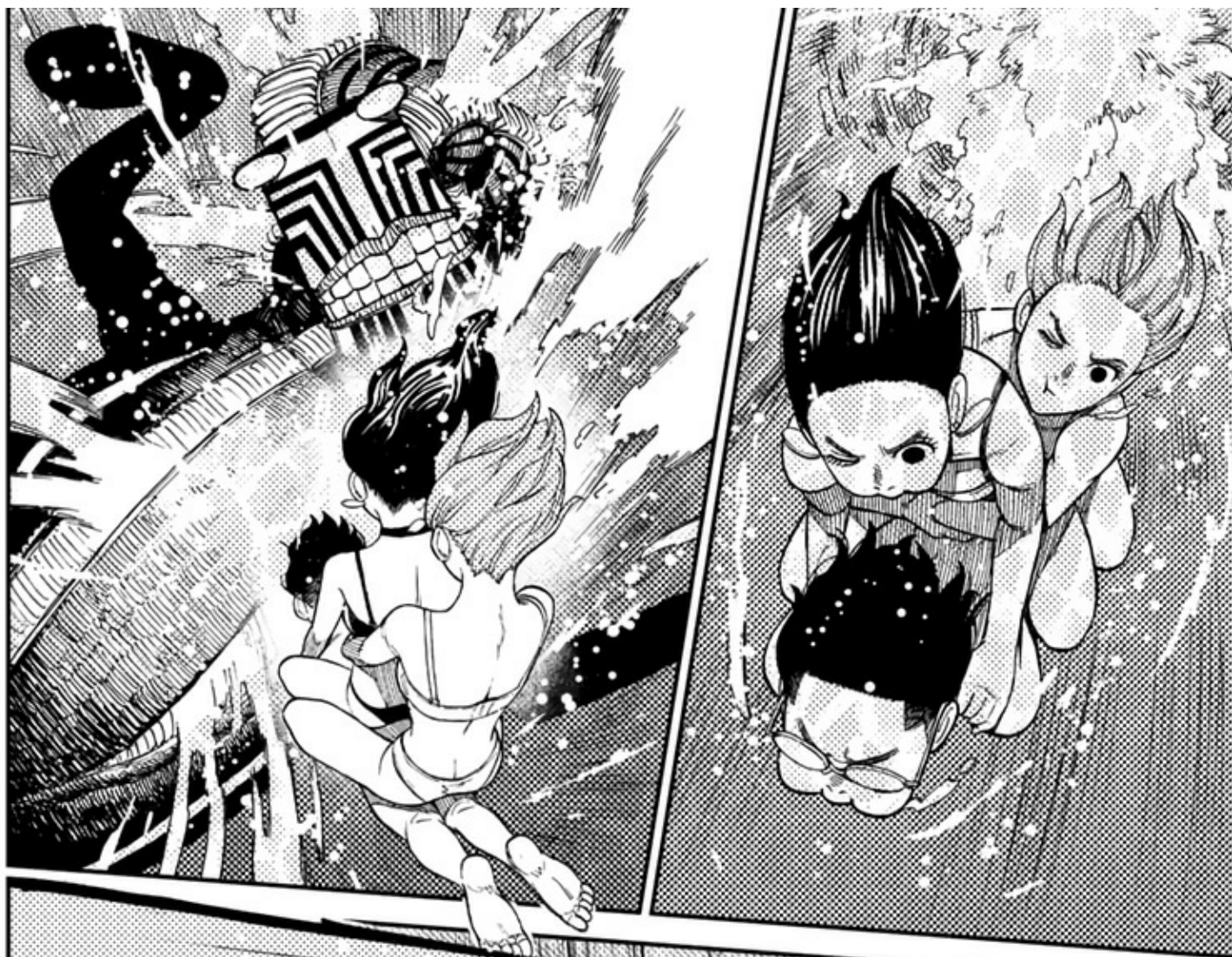
...دیگه
نمی تونه اون
لیزر رو بزنه!

این باید
فرصت ما
باشه!

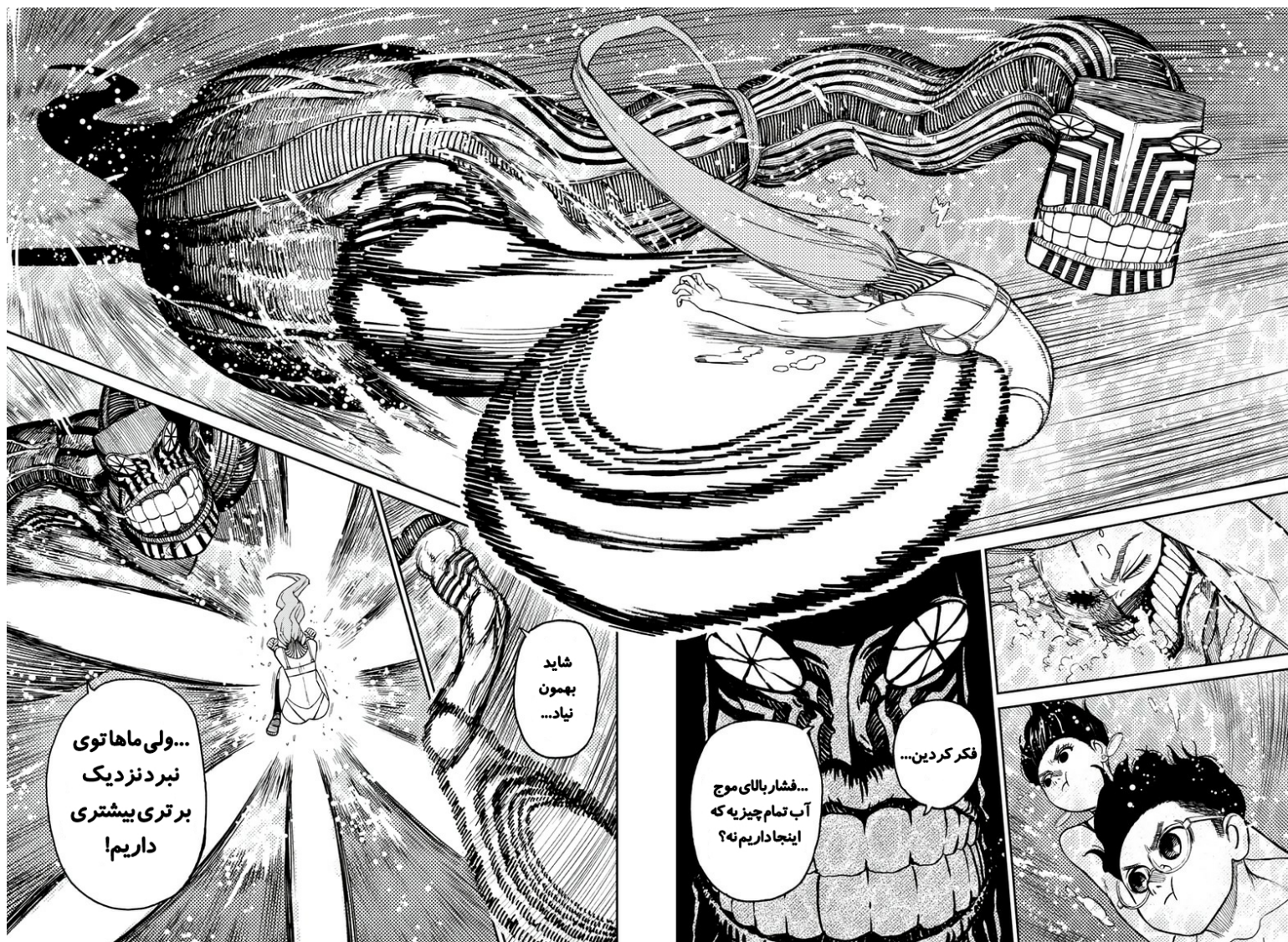
نزدیکش شو!
من بهش
حمله
می کنم!

بیا انباش
بریم!







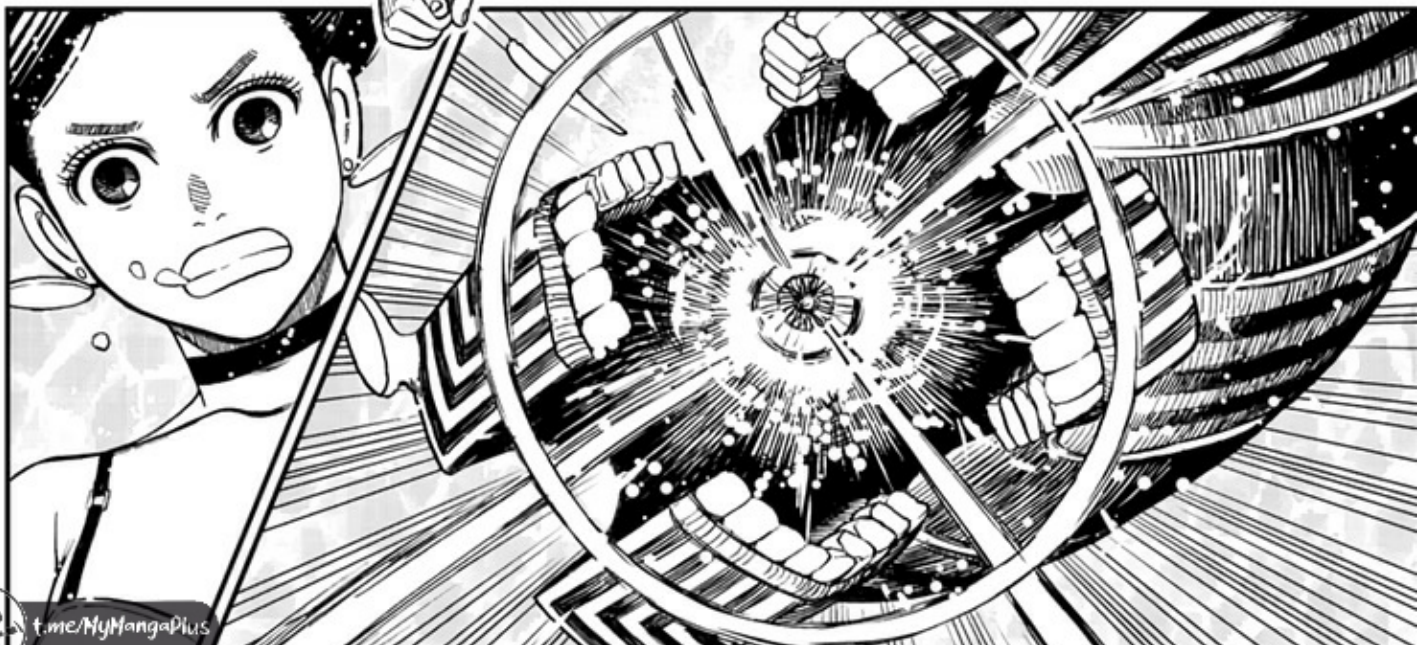


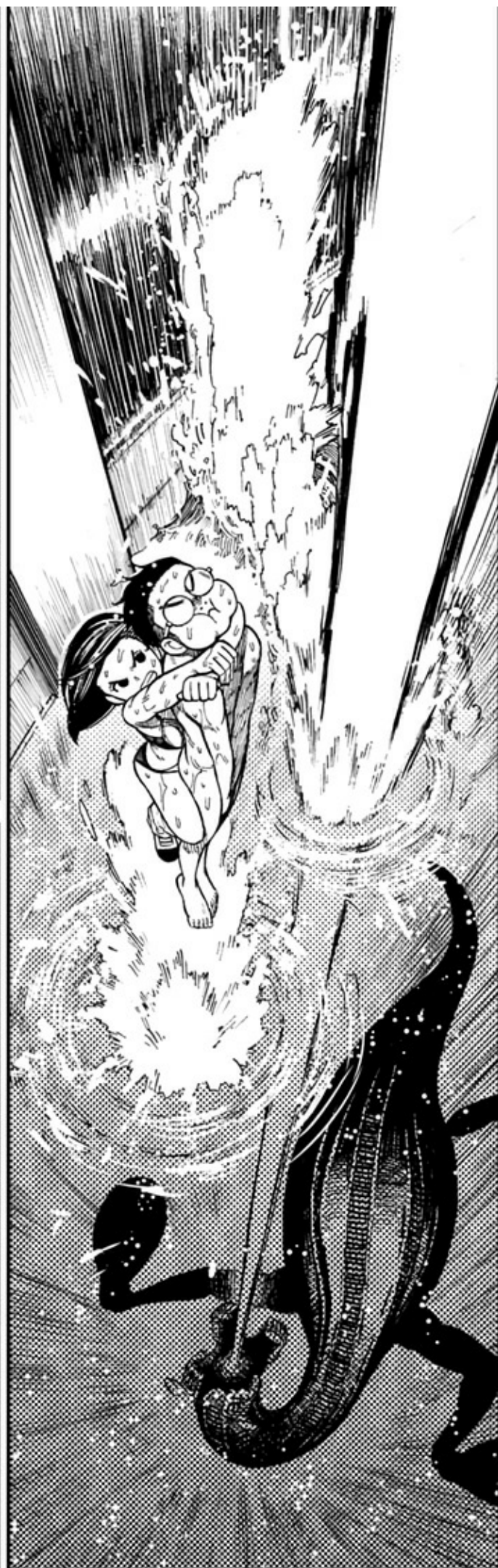
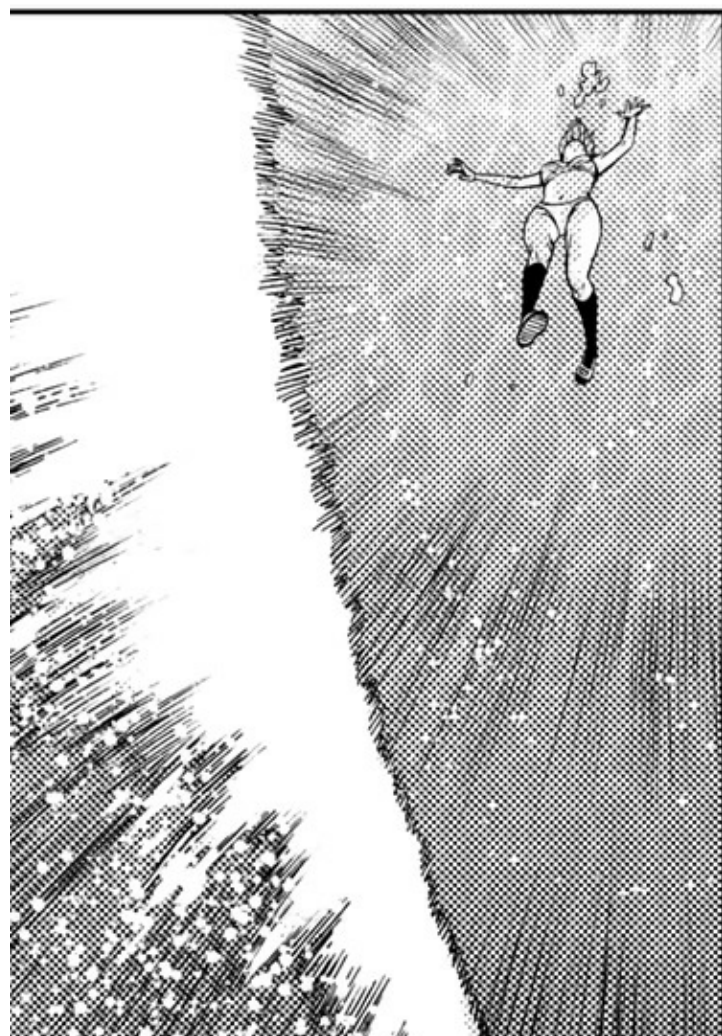
شاید
بهمون
نیاد...

...ولی ماهاتوی
نبرد نزدیک
برتری بیشتری
داریم!

فکر کردین...

...فشار بالای موج
آب تمام چیزیه که
اینجا داریم نه؟









از اولش
می‌دونستن
می‌پور میشن با
هیولای
افسانه‌ای یکی
بشن!

اون
درومزا دمه‌های
سریوی!



برای همین با
خودشون اون
عوضی مشت زن
رو آورده بودن!



روی
زمین
بودیم یه
لیزی...

ولی...
توی آب
بی فایده
س!

اشعه‌های
لیزر...

خیلی
قویه!

و...
مشتهای
میگو؟



درباره
مشتهای
میگو!

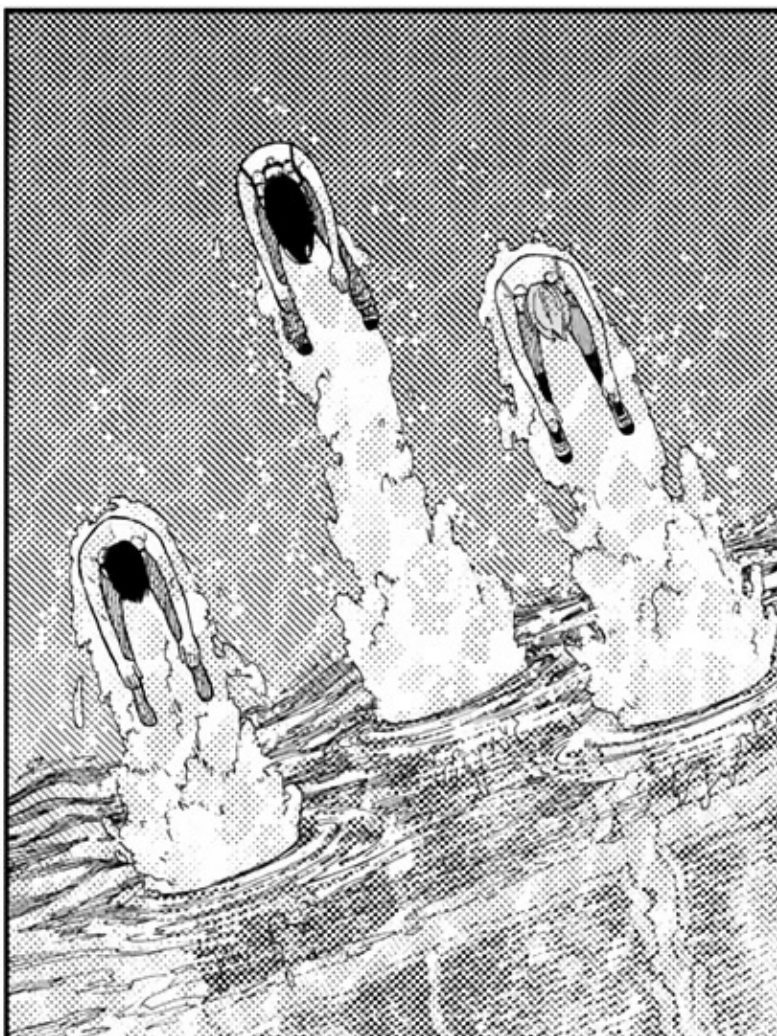
?!

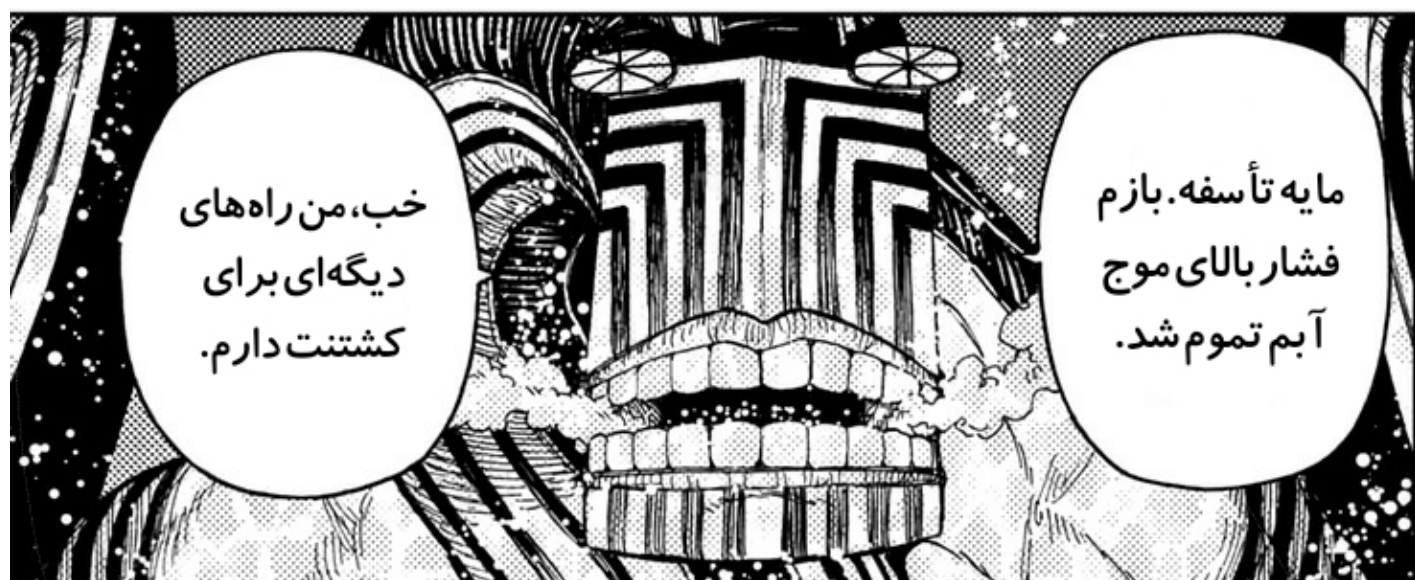
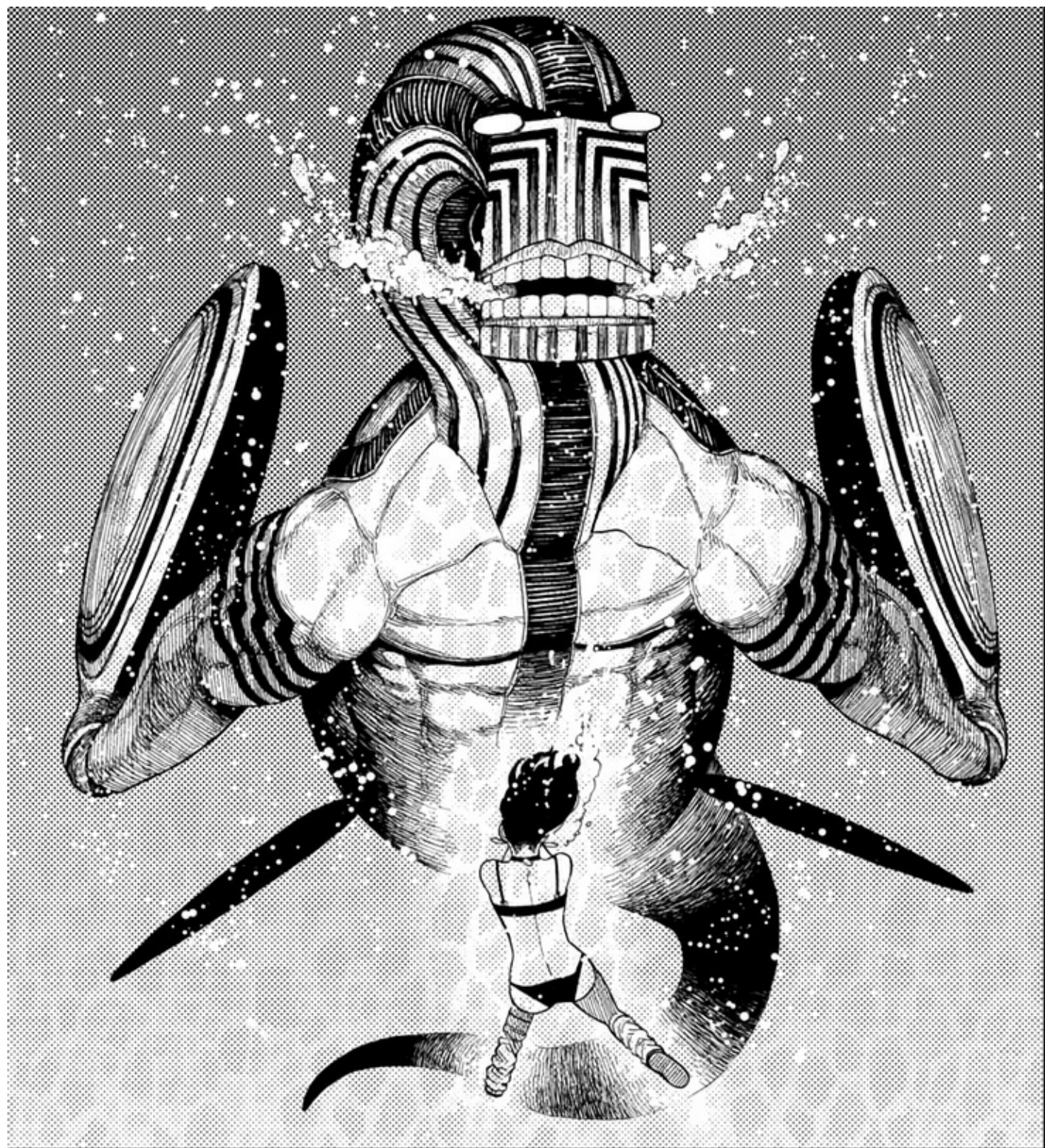


اوکارون
الان پلی
گفتی؟!

گفتم
بی فایده‌س!

نه
اون
نه!





خب، من راه‌های
دیگه‌ای برای
کشتنت دارم.

مایه تأسفه. بازم
فشار بالای موج
آبم تموم شد.



می تونیم تازمان
غرق شدنت
وایسیم...

...ولی تا الانم
زمان زیادی
رواز دست
دادیم.

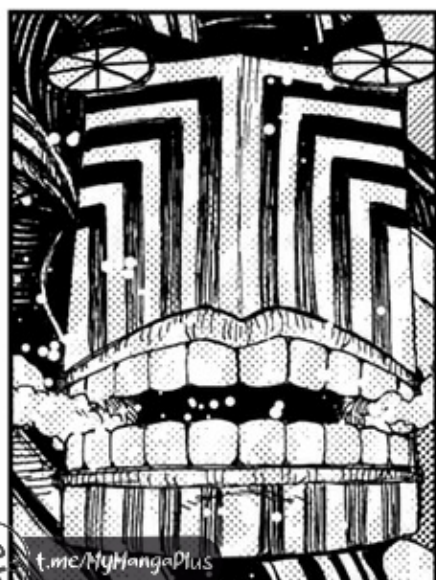


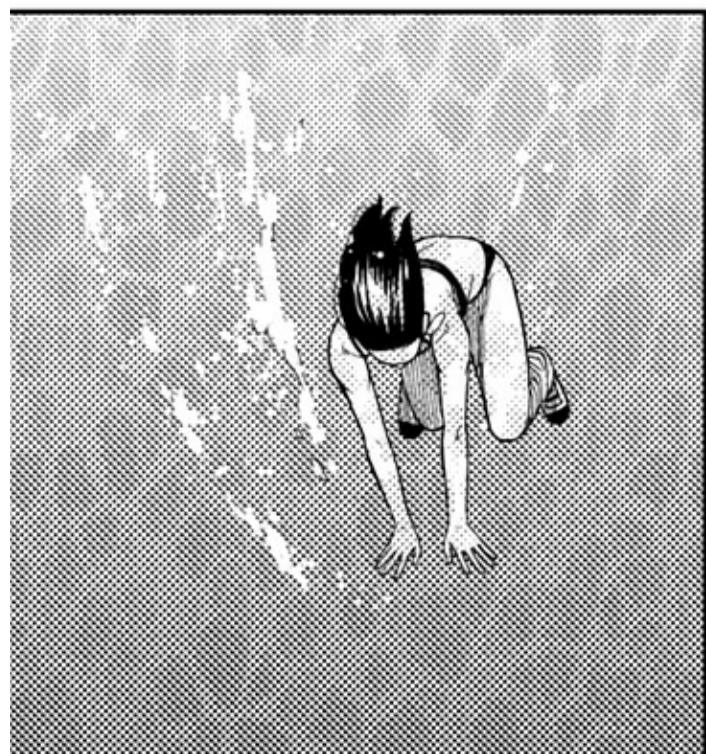
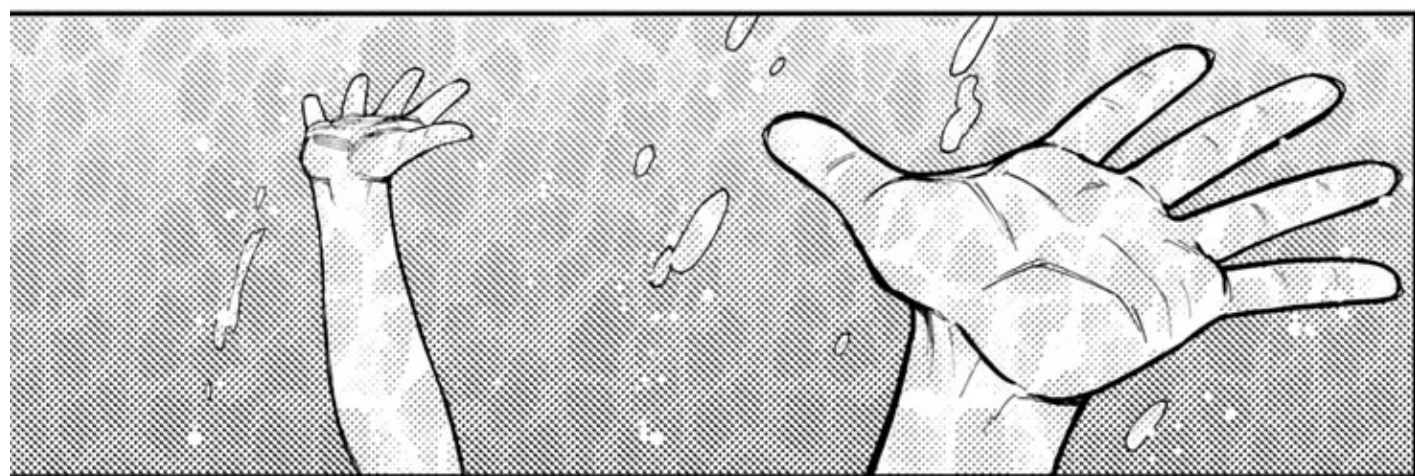
شاید بهتر باشه
که تا حد مرگ
بزنیمت تا
بمیری.

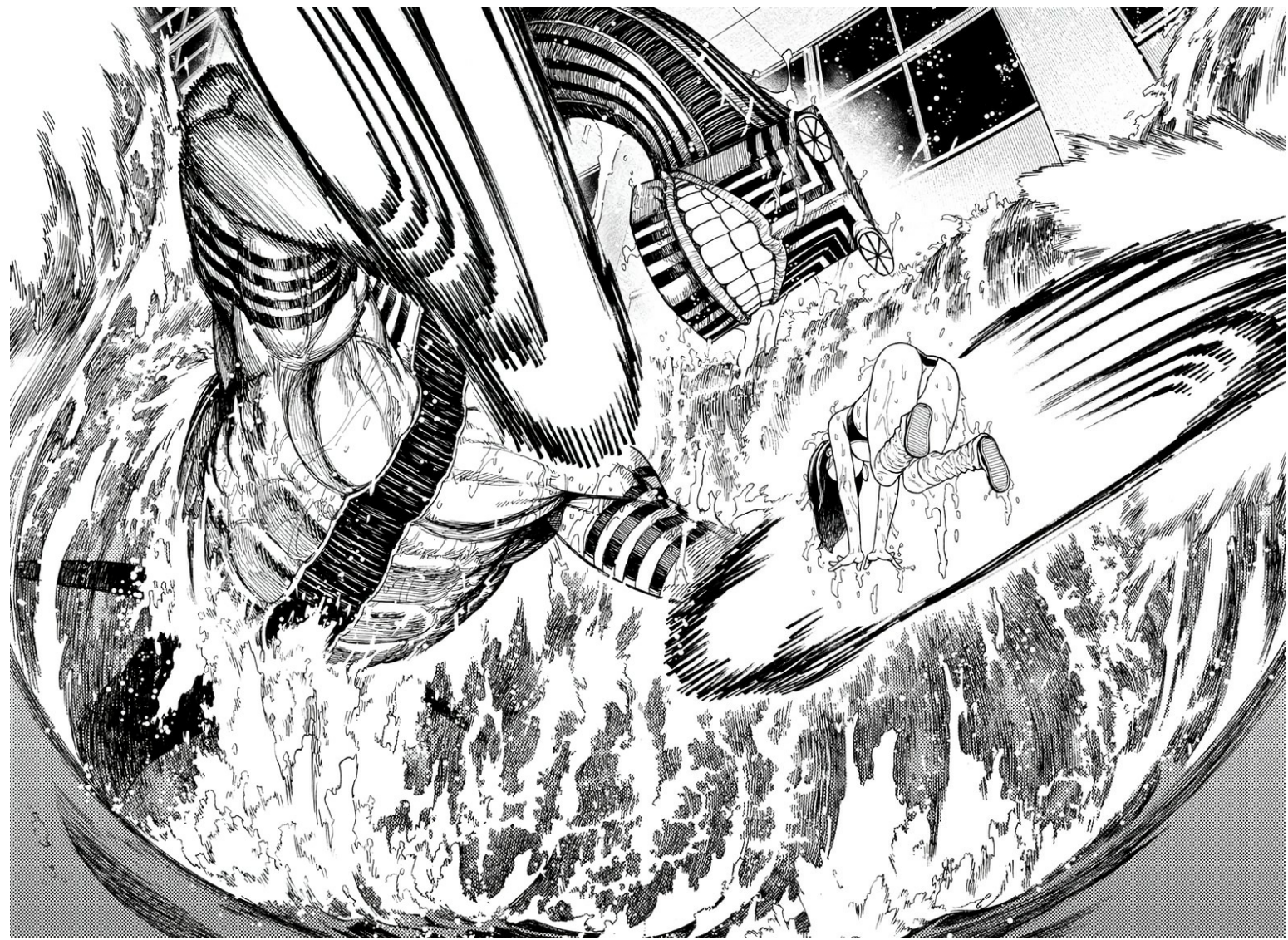


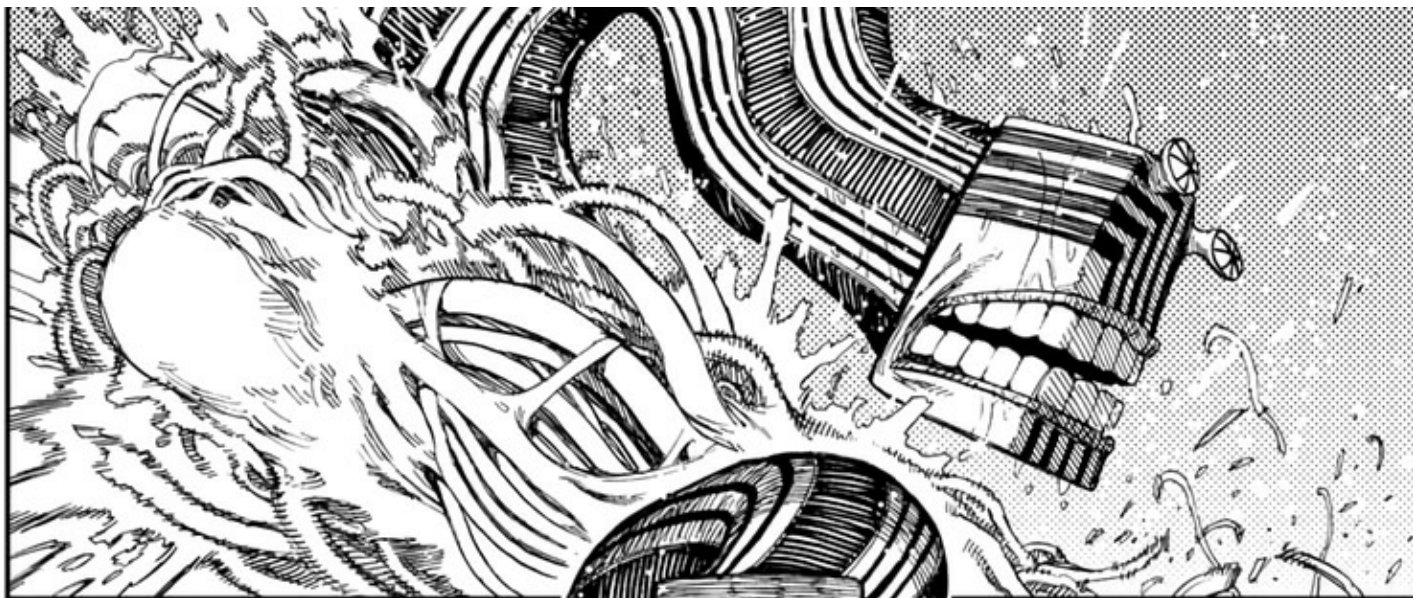
تو واقعا آدم
خطرناکی
هستی.

تصمیم داریم
بکشیمت و کالبد
شکافیت کنیم.









این
چییه؟

بی-بی



اونم نه با
آدم فضایی
میگو!

نباید ادغام
می شدی!

!?



مشت های میگوی
آخوندک...

...توی آب
قوی ترینه.

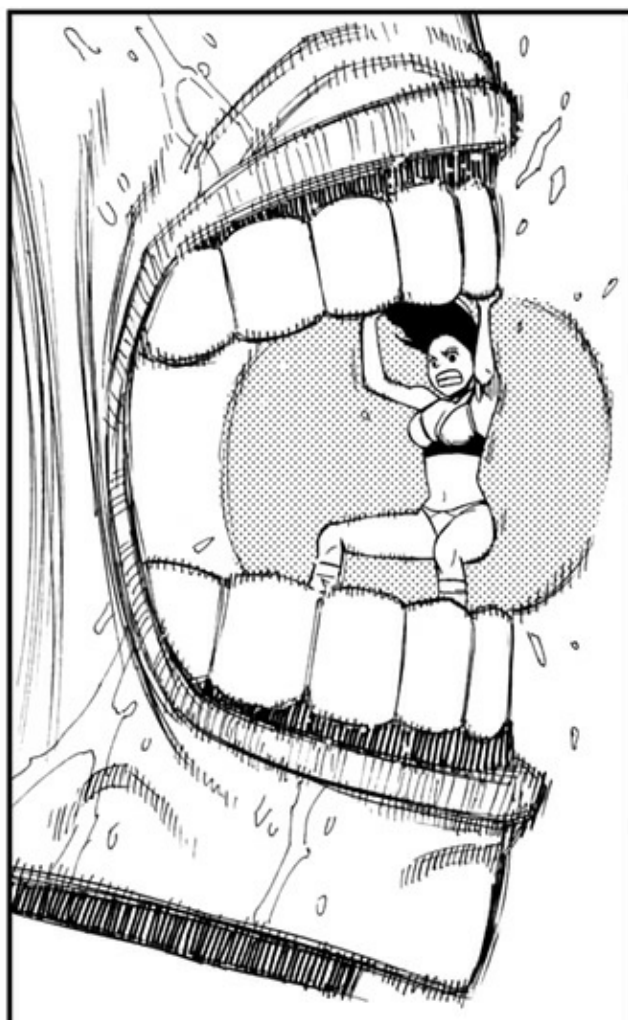
ولی توی خشکی
مشت هاش اصلا چیز
جدی ای محسوب
نمی شن.

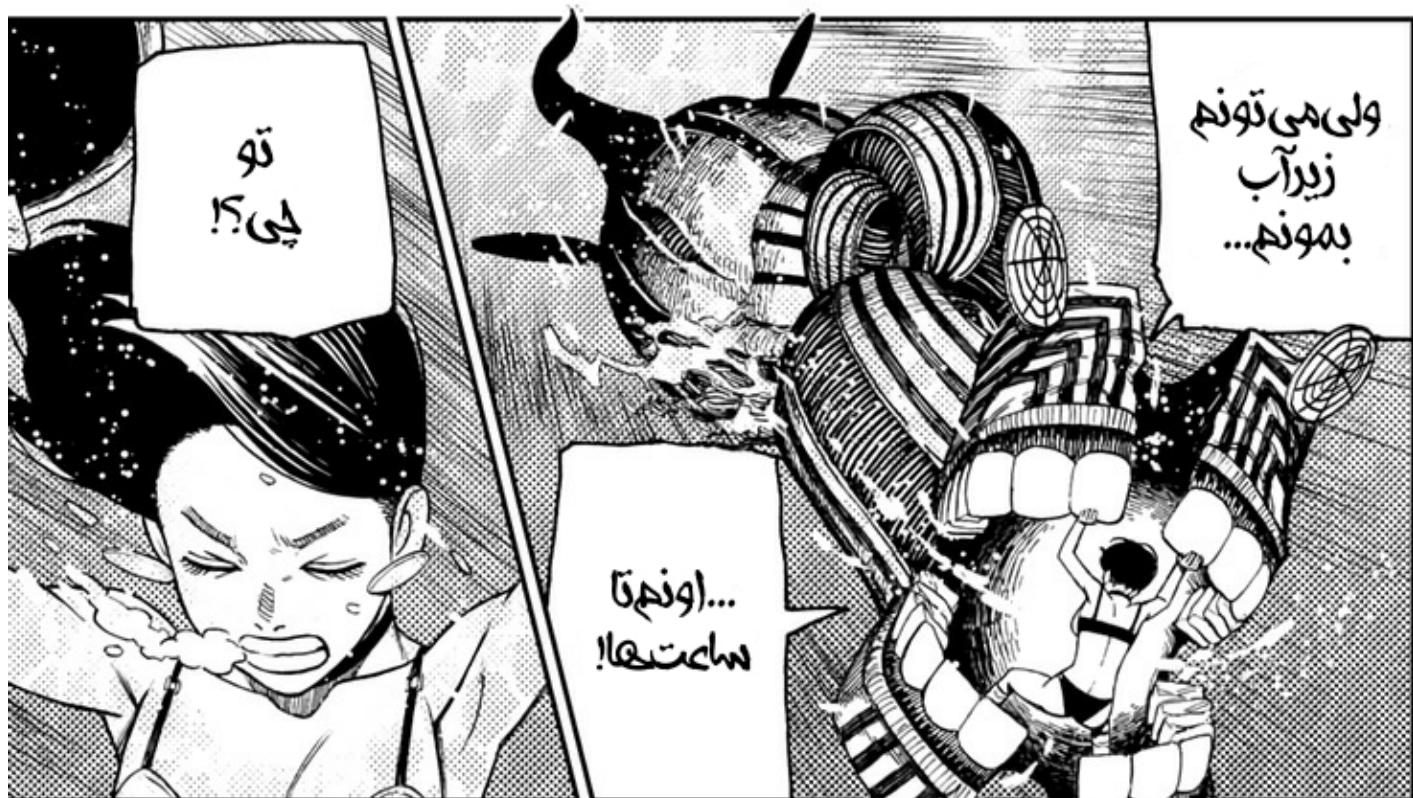
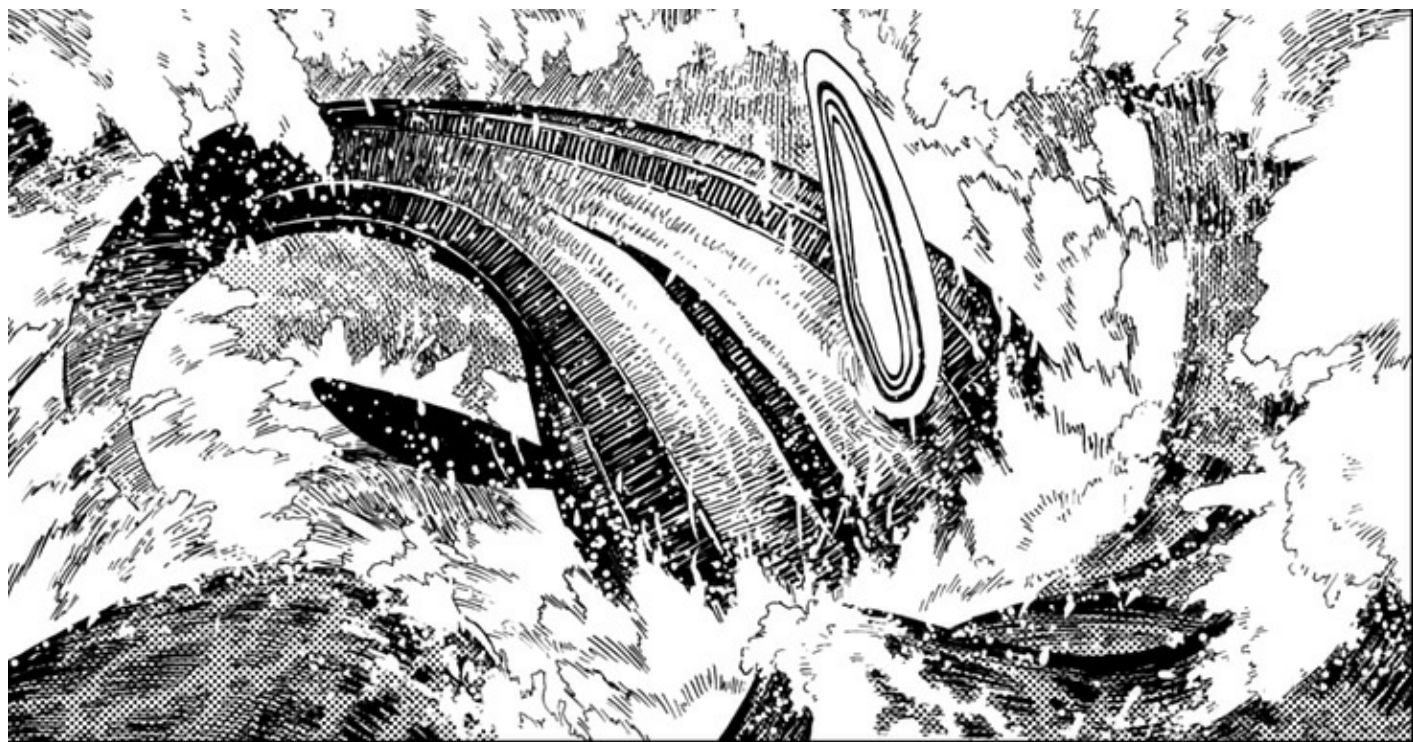
واصلانمی تونه
خوب مشت بزنه.

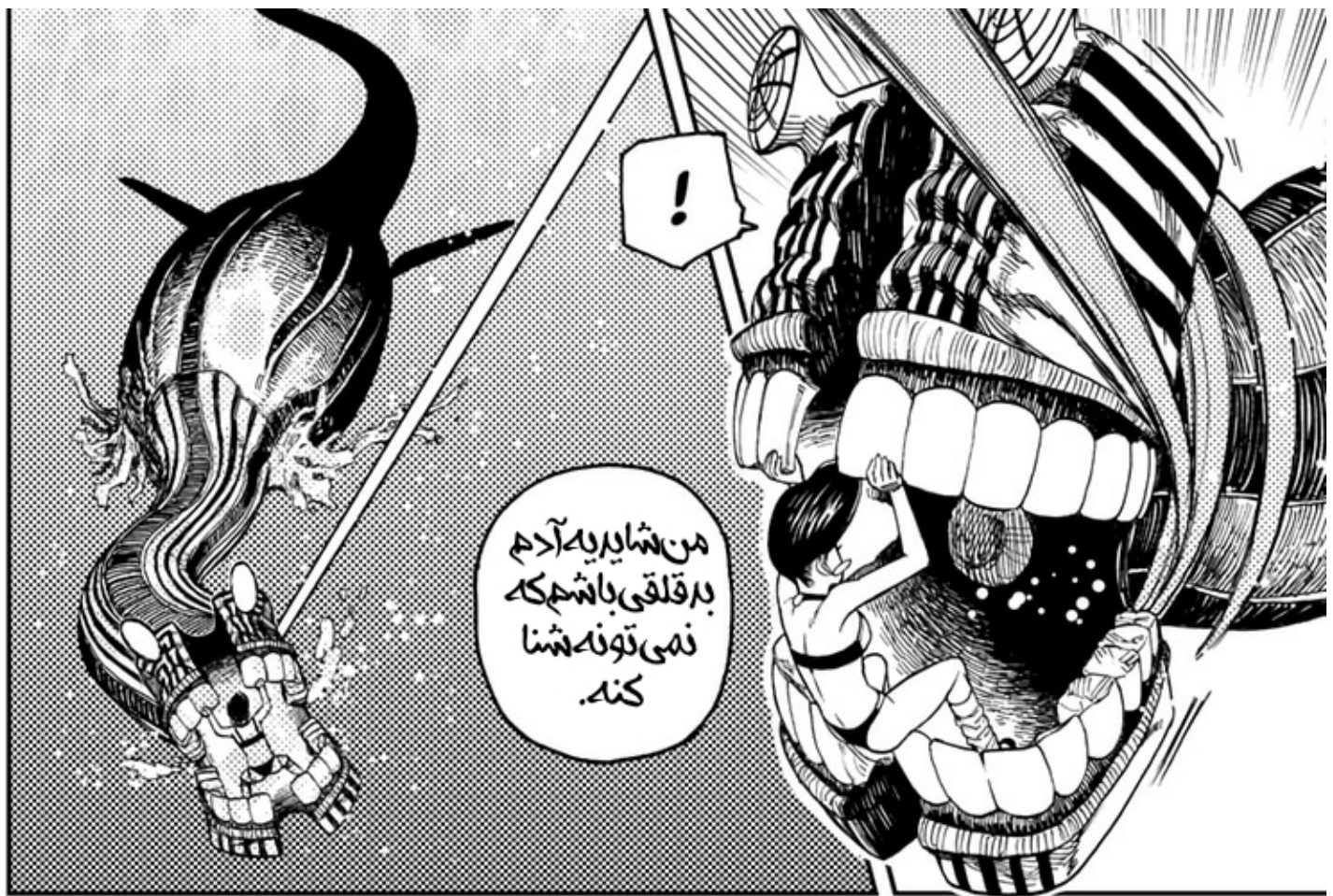


...آخر عاقبتش
مثل تو میشه.

اگرم بخواد
مشت بزنه...











ادامه دارد!

چپتر
25

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

DANDADAN

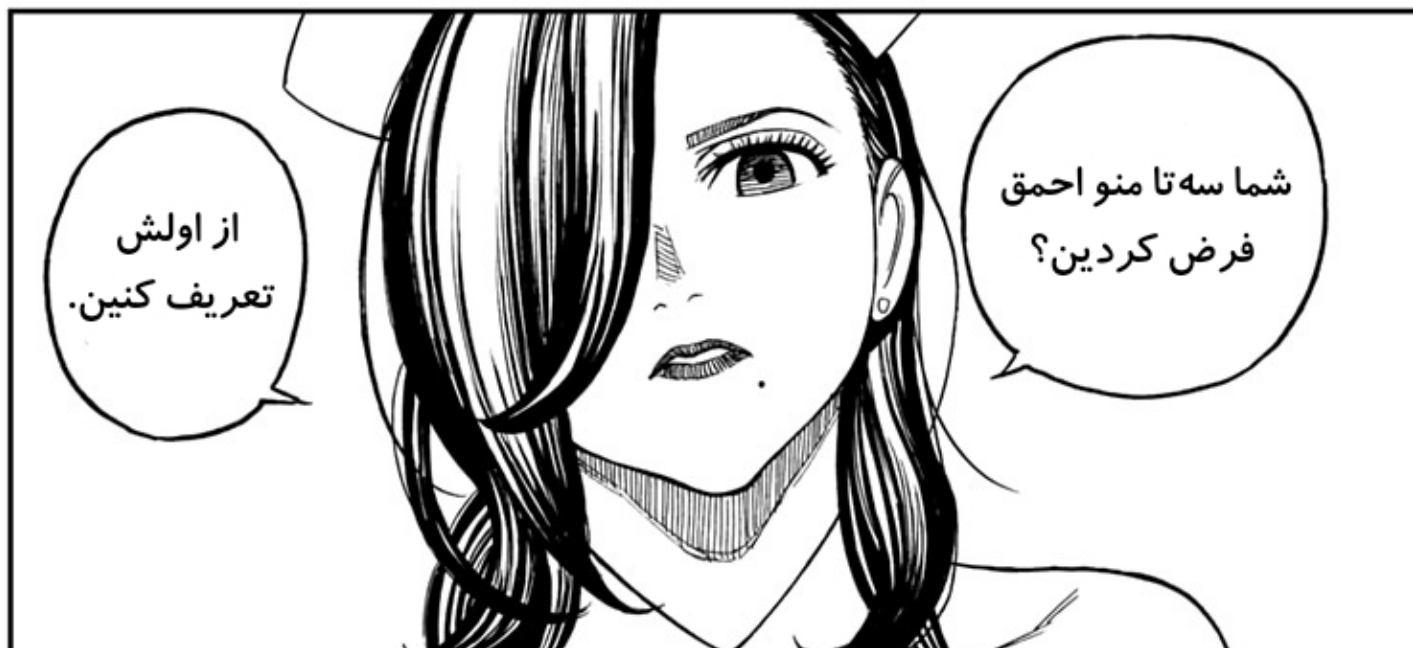


چتر ۲۵: ضربان قلبت رو
بالا برد آره!
از یوگینوبو تاتسو















و این سری هم
تو حواست به
من بود.

به نظر میاد قدرت
ننه بزرگ توربو رو
می خوان ولی...



و فکر نمی کنین
اون آدم فضائی ها
بیش از حد
سمجن!؟

اگه یه بار دیگه
اینطوری بهم حمله
کنن از پشش
برنميام!



وسط نبردمون
قدرتم بیدار شد.

به هر
حال...



...من ناجی
منتخب خاص
این جهانم.

به نظر میاد
لقبت هی داره
عوض میشه.



هی،
دوم-دوم.

یه چیزی
یادم اومد...

از کیه که
می تونی از قدرت
ابریشم آکرو
استفاده کنی؟







...چیزایی هستن
که دارن از زمین
در برابر...

...حمله آدم
فضائی‌ها محافظت
می‌کنن!













چپتر
26.1

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

چپتر
26

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

DAN
DA
DAN

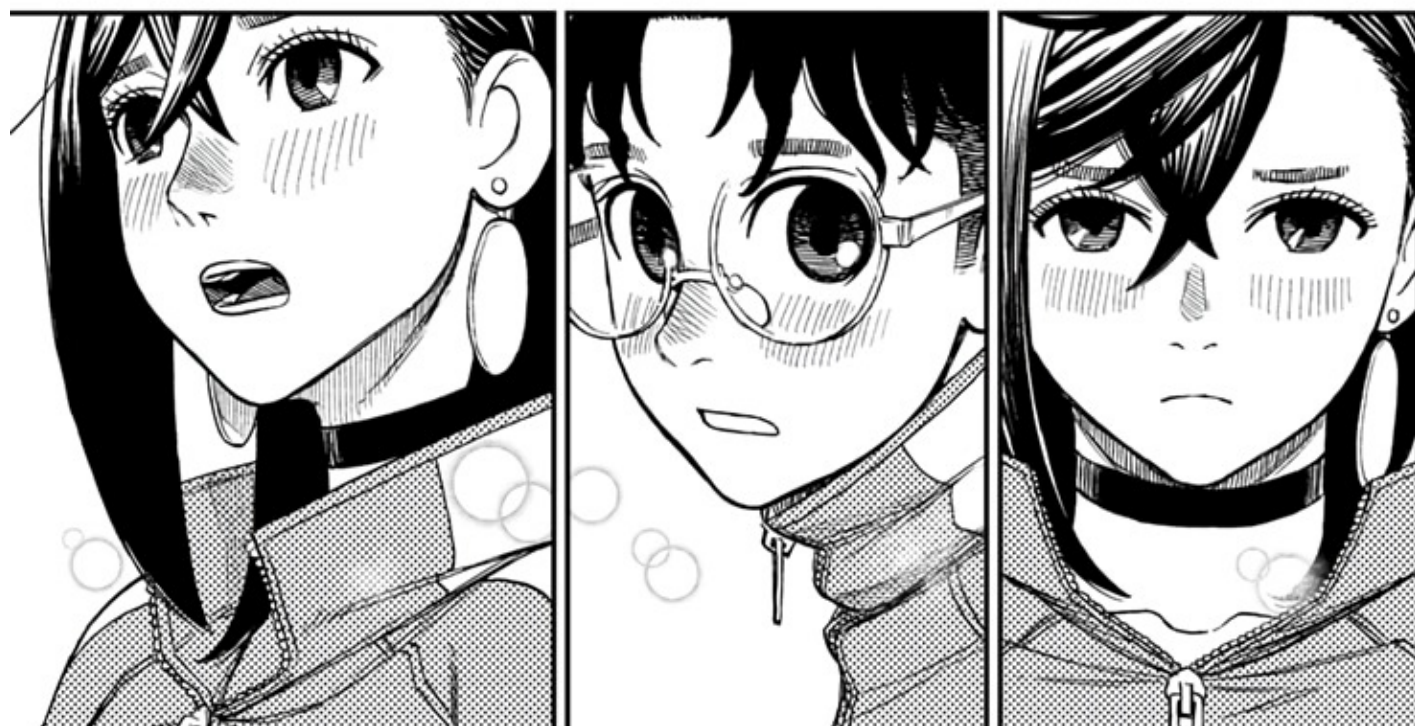
ONE-SHOT:
**PROFOUNDLY
MYSTERIOUS
KICK-THE-CAN
BATTLE!**



BY YUKINOBU TATSU

TRANSLATION: KUMAR SIVASUBRAMANIAN

LETTERING: GARA LINGLEY





DANDADAN



داشتی چه
غلمی
می کردی؟!

اوکارون،
دیر کردی!



برای همین
بهت گفتم
زودتر از من
برو!

اگه امروز
دیر کنم
باید جلسه
اضافی
برم!





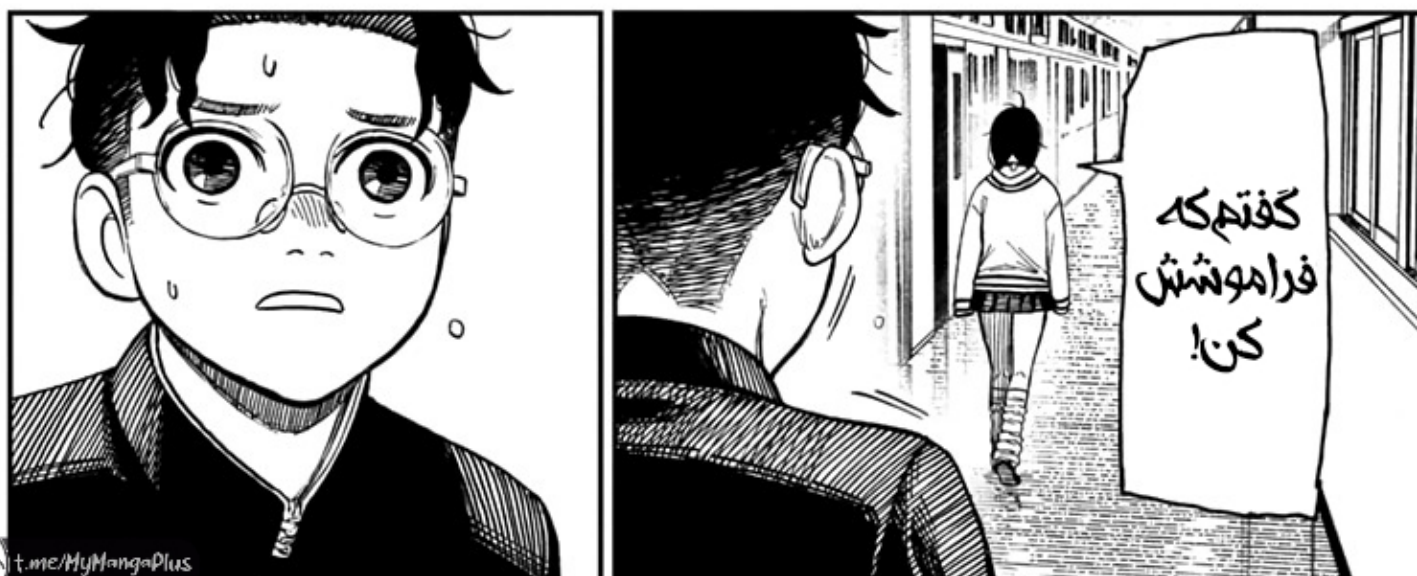














مومو آياسه هم
اخيرا با آيرا بد
رفتاری می کرده.

مثل همون
موقع که با
کاسه ظرف
شویی زد تو
سرش.

واو، واقعا؟



شنیدم اون باهر
کسی که مرده
انجامش داده!

!



مومو آياسه
نمی تونه
قفس در بره!

فکر کرده
کیه؟

احتمالا به زیباییت
احساسات می کرده
خانم شیراتوری.
اینطور فکر
نمی کنی؟



آره، منم این
شایعات رو
شنیدم!

اخيرا پفش شده!



نباید به کار
کنیم
تقاضاش رو
پس بده؟

به همه
دربارهش
گفتی؟

اینطوری یا
می گیره که...

خانم...
شیراتوری همون
رو به گریه
نداره!

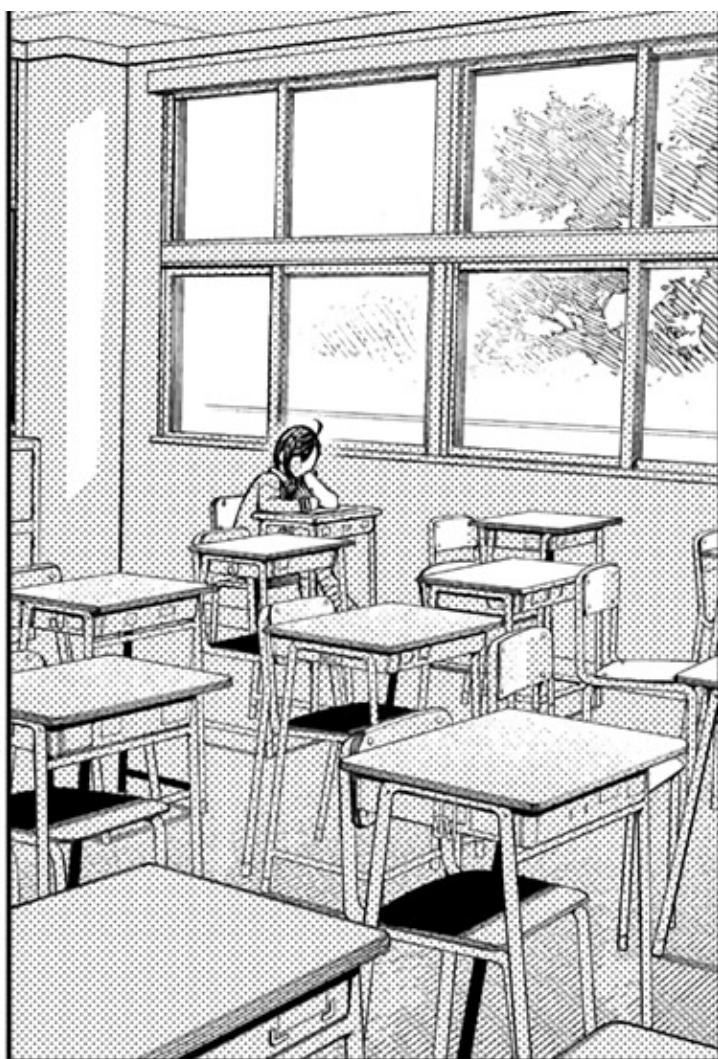


گاه، خیلی
عصبیم
می‌کنه.

چرا باید
اینطوری
حرف
می‌زد؟



جیز، حس
می‌کنم دلم
می‌خواد بر
برنم!



پشمو
لام؟!

یه
قووی
؟

آهه!



دست
مریزا!

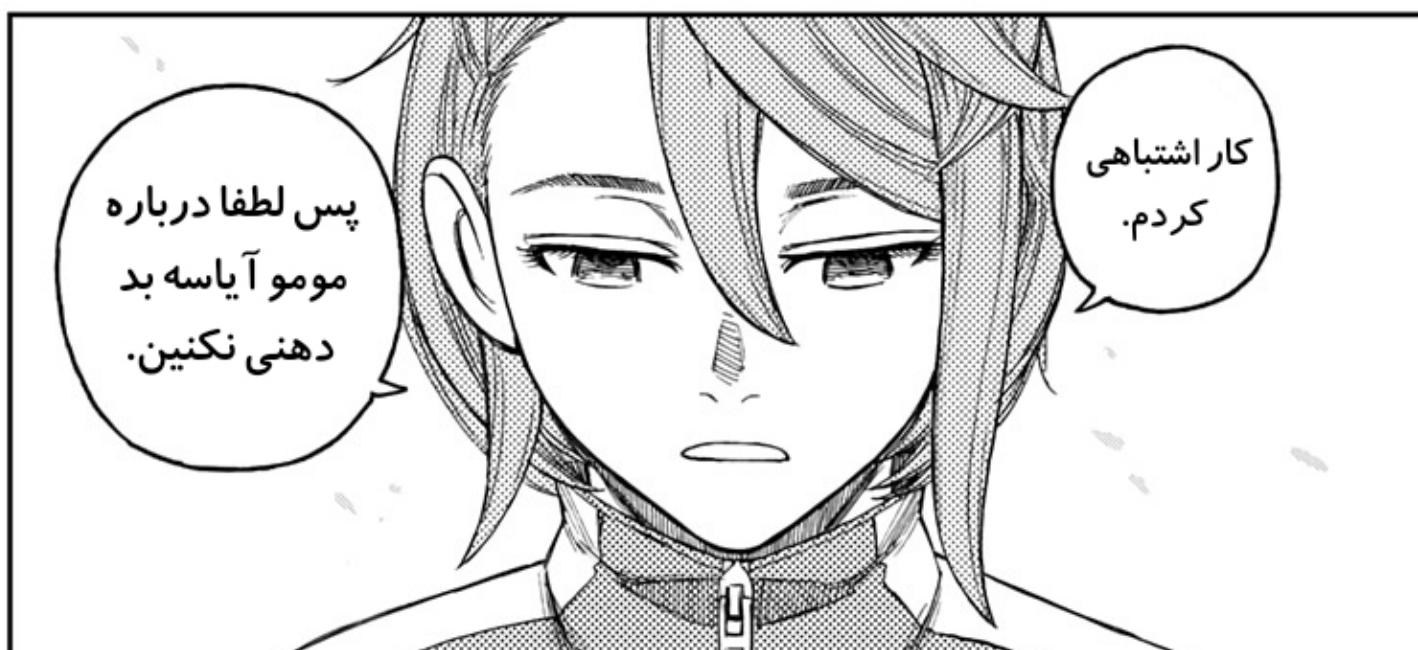
تو مندرش رو
مندرف کردی
نه! اوش؟!



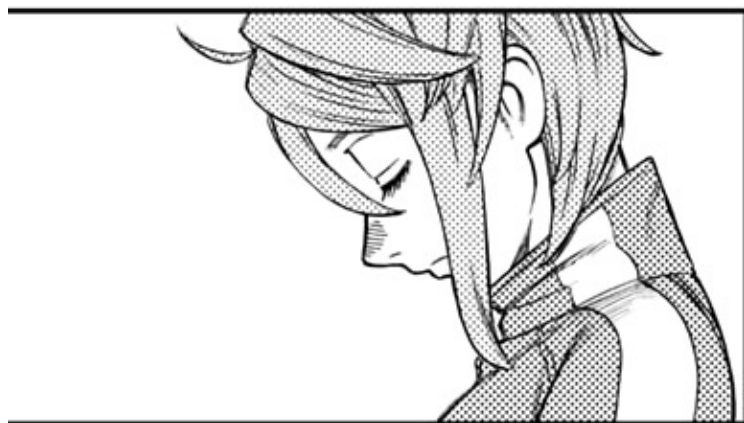
چطور تونستی
منحرفش کنی؟

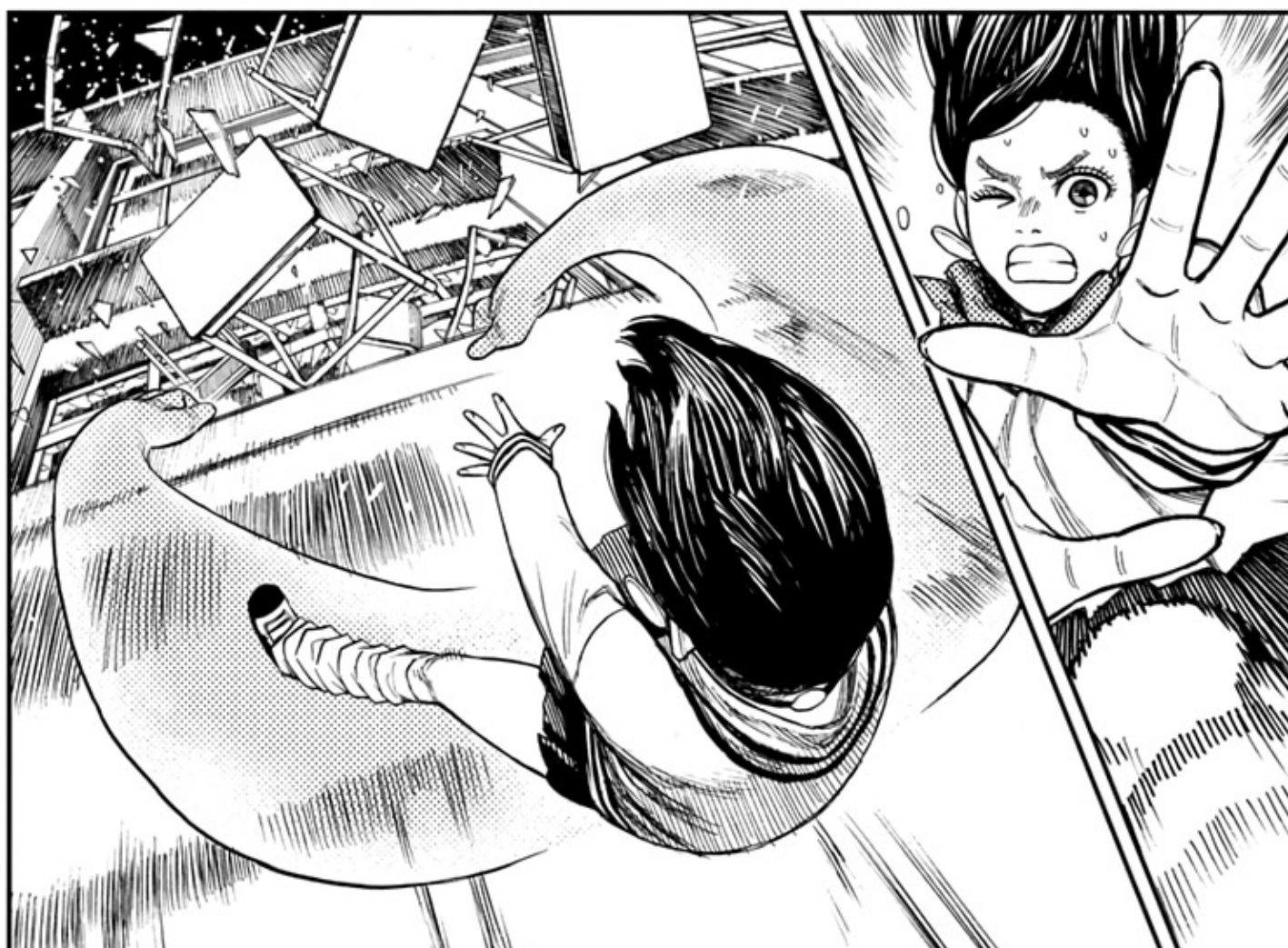
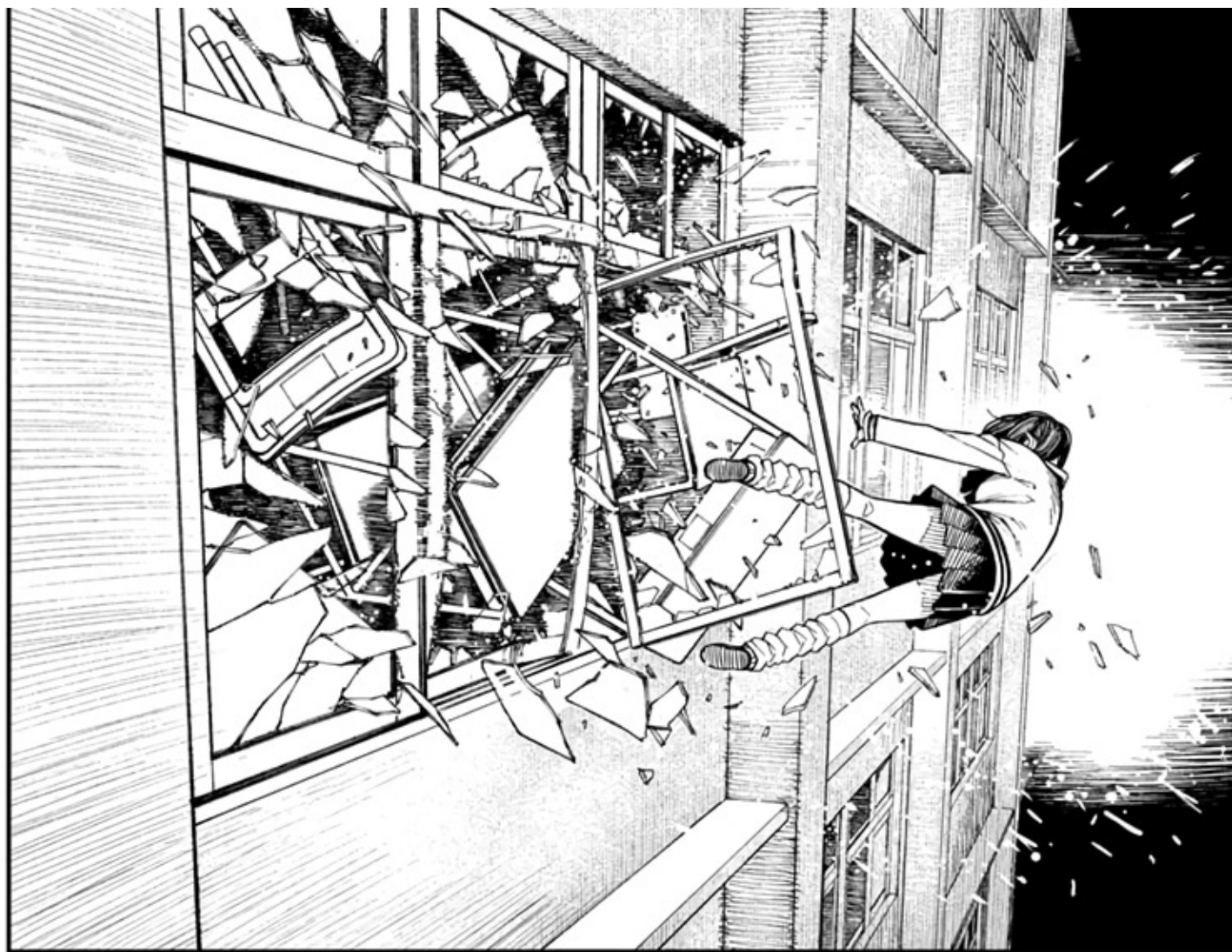
حتی آیکوی ۳۰۰
من هم نمی تونه
متوجهش بشه
داوش!















ولی الان
تنهایی. الان
همه ازت
متفرشن!

آه؟!
ت-ت-ت
حدودی...

خب چه
خبر؟
داستان قانع
کندهت رو مطرح
کردی؟

همف.



فودتم خوب
می دونی
ملها دشمن
همیم!

ویا گورتو
گم کنی؟!

میشه
یه کم
تنهام
بزاری؟!



ولی الان
تنهایی.

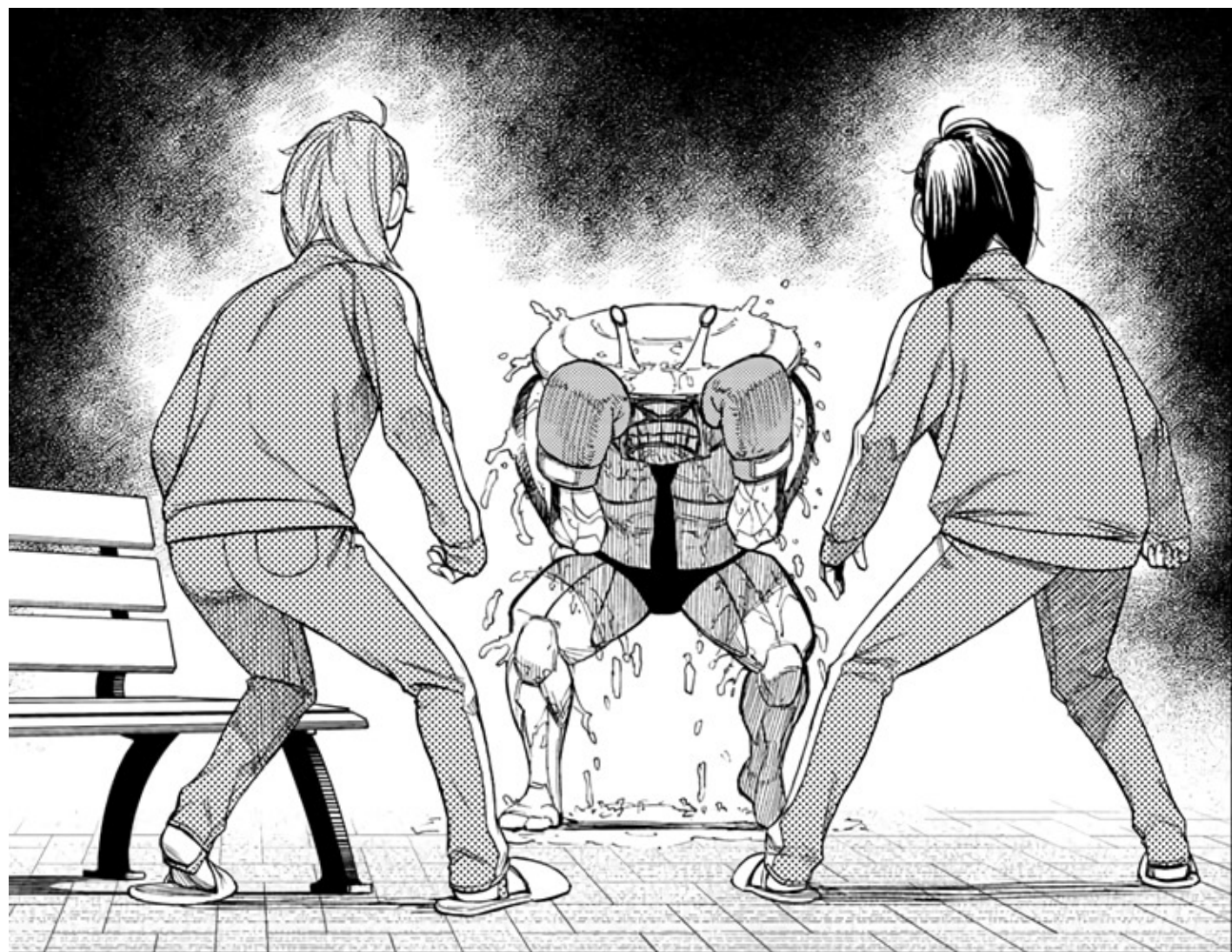
اونا احتمالا
دارن مثل پی پی
ماهی طلایی...

...گوه خوریت
رو می کنن.



















بابایی!

دختر
کو چولو
...

عذر
می خواهم
...





بیا! نجات
بدیم! همزمان
با هم بهش
لگد می زنیم!



بسیار کنین!
بهش لگد
دزنینن!



?!



عوق!
واقعا
چونم در
گامد!

هنوز تمام
نشده!

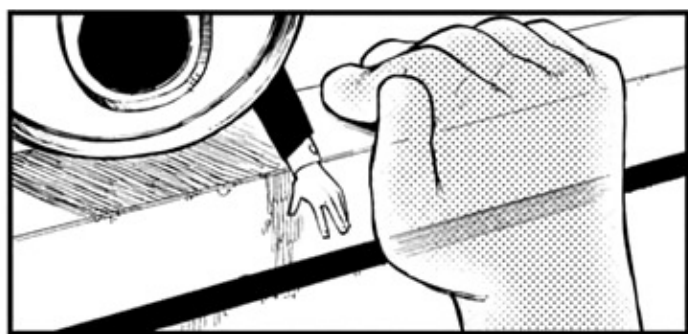
ویر ویر ویر

باید اون
چیزو
ناپوش
کنیم!













این اولین باریه
که توی عزم...



...تدوین
مرا تقبیل
پزشکی...

...و فشار
متر بونی و
دیدم...



قسم
می خورم...

...دیگه هیچ وقت
به آدم ها صدمه
نمی زنم.



شنیدم انسان
نماهای
زمینی احمق
و وحشیان...

آگه منطقه
قوطی ای خراب
نشه بازی گرگم
به شو اتموم
نمی شه...

...ولی مومو
ایا سه، نمی توئم
تورو دست کم
بگیرم دهوش!

مشتا تم تا
کا لبد شکا فیت
کنم دهوش!

اما آگه به
منطقه قوطی ای
دست بزنی تو شم
تبدیل به یه
قوطی می شی
دهوش!



تو
میمون.

واون
احمقه ای.



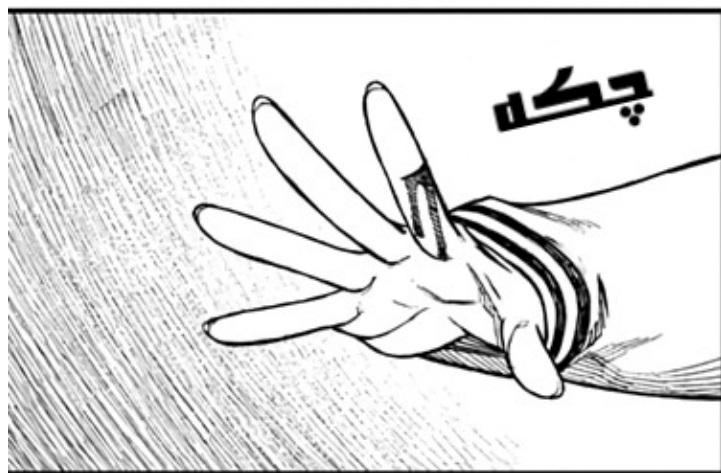
آگه آی کیوی
تو ۳۰۰ عه...

...پس مال من
۳,۰۰۰,۰۰۰
عه.



تمام این
مدت...

...دچار
سوء تفاهم
شدی.







به نظر میاد داری از
قدرت استفاده
می کنی تا لمست
نگن...

در ضمن، اگه
یه کروم از این
قوطی ها
لمست کن...

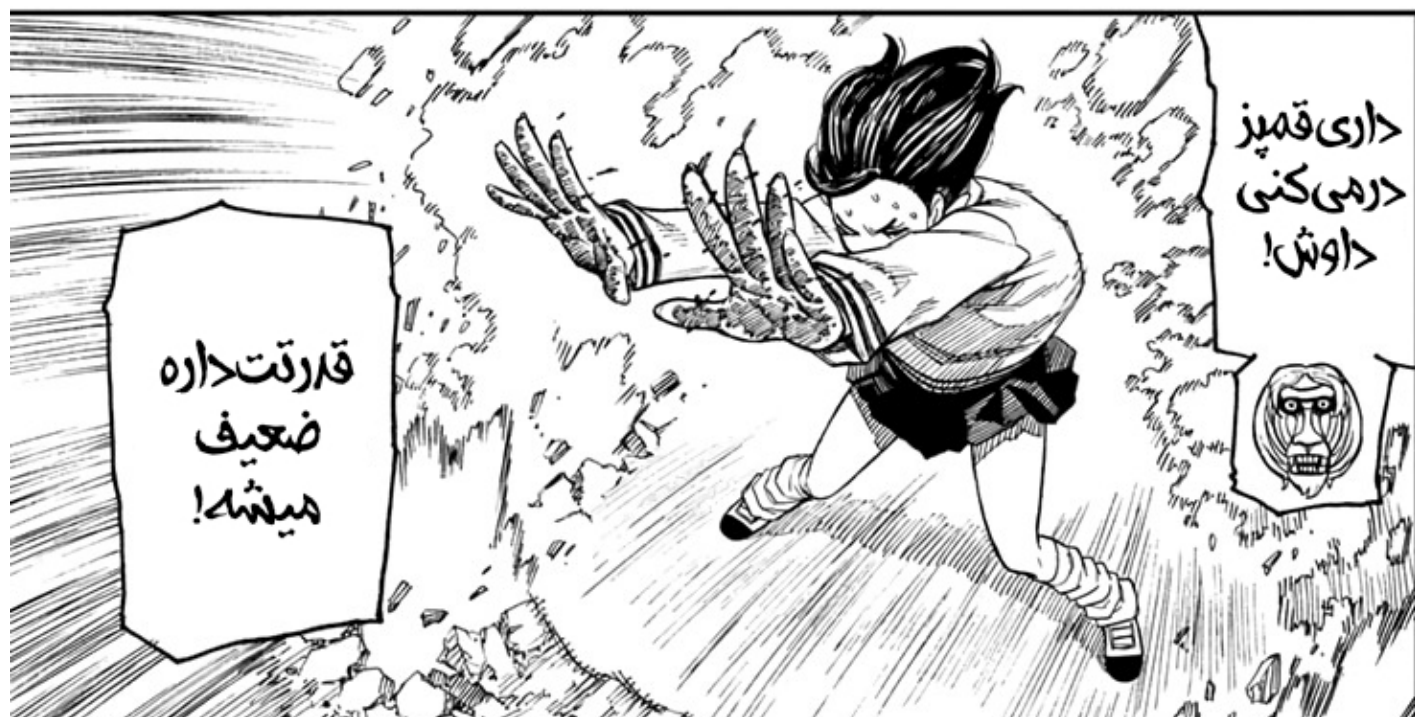
... تو هم تبدیل
به یه قوطی
میشی!

... ولی نمی تونی
تا ابد طاقت
بیاری!



می تونم تا
۵۰ سال
ادامه ش
برم!

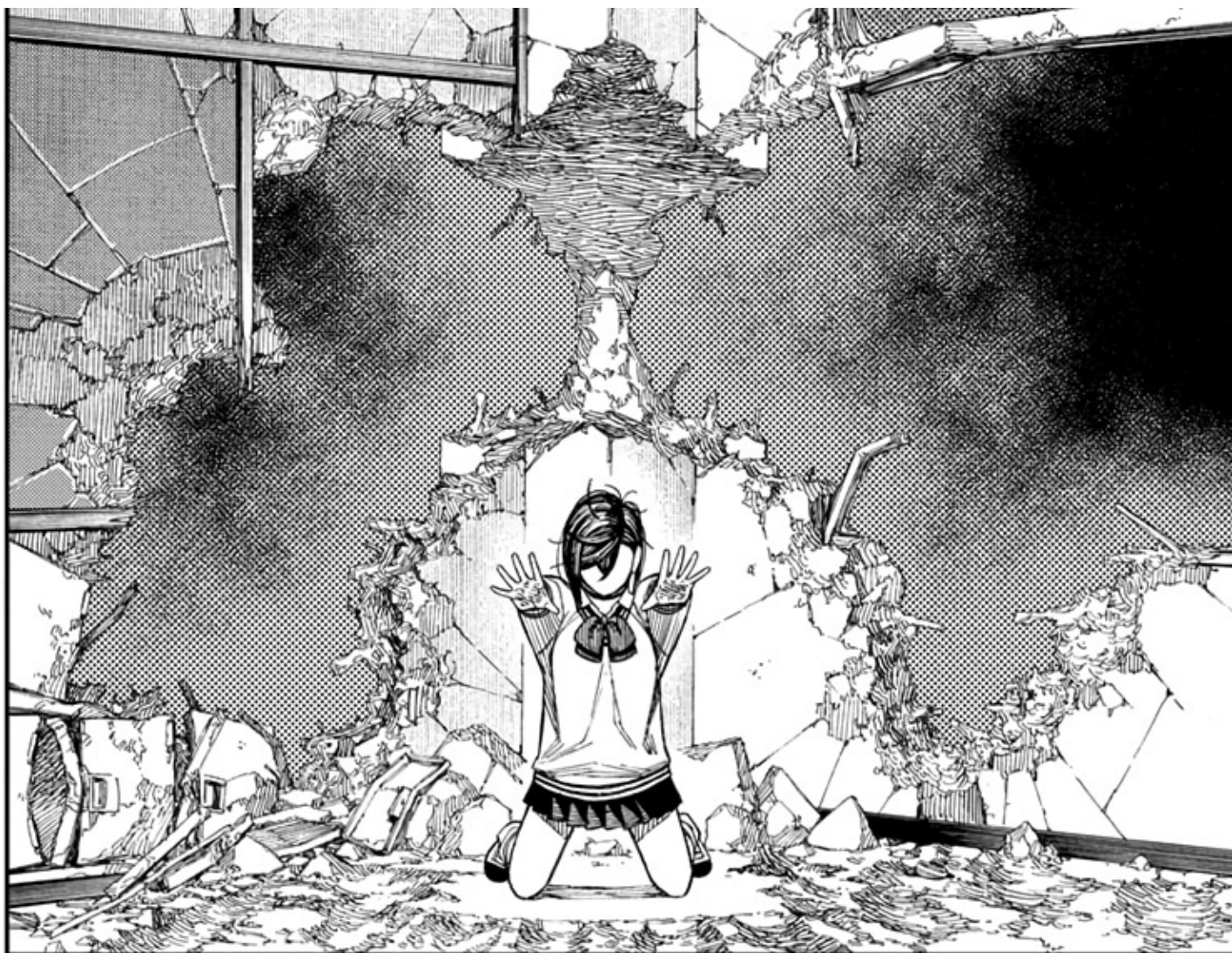
تو اونوی
هستی که
تیکه پاره
میشه!



داری قمیز
درمی کنی
داوش!

قدرت داره
ضعیف
میشه!







اوکی!
این پیه
داوش؟!



حالامی فهمیم
کدوم یکمون
احمق واقعیه.



ستونی که قوطی
بار زشت نگه
می داشت رو.

داغونش
کردی.



اگه نتونم
لمسش
کنم...

...پس باید یه کار
کنم تا تو واسه م
داغونش کنی.

جاذبه زمین
خیلی قویه

به نظرت
اختراع با اون
وزنش می تونه از
افتادنش
جلو گیری کنه؟





نزدیک بود!
قدرتم به حد
آخرش رسیده
بود!

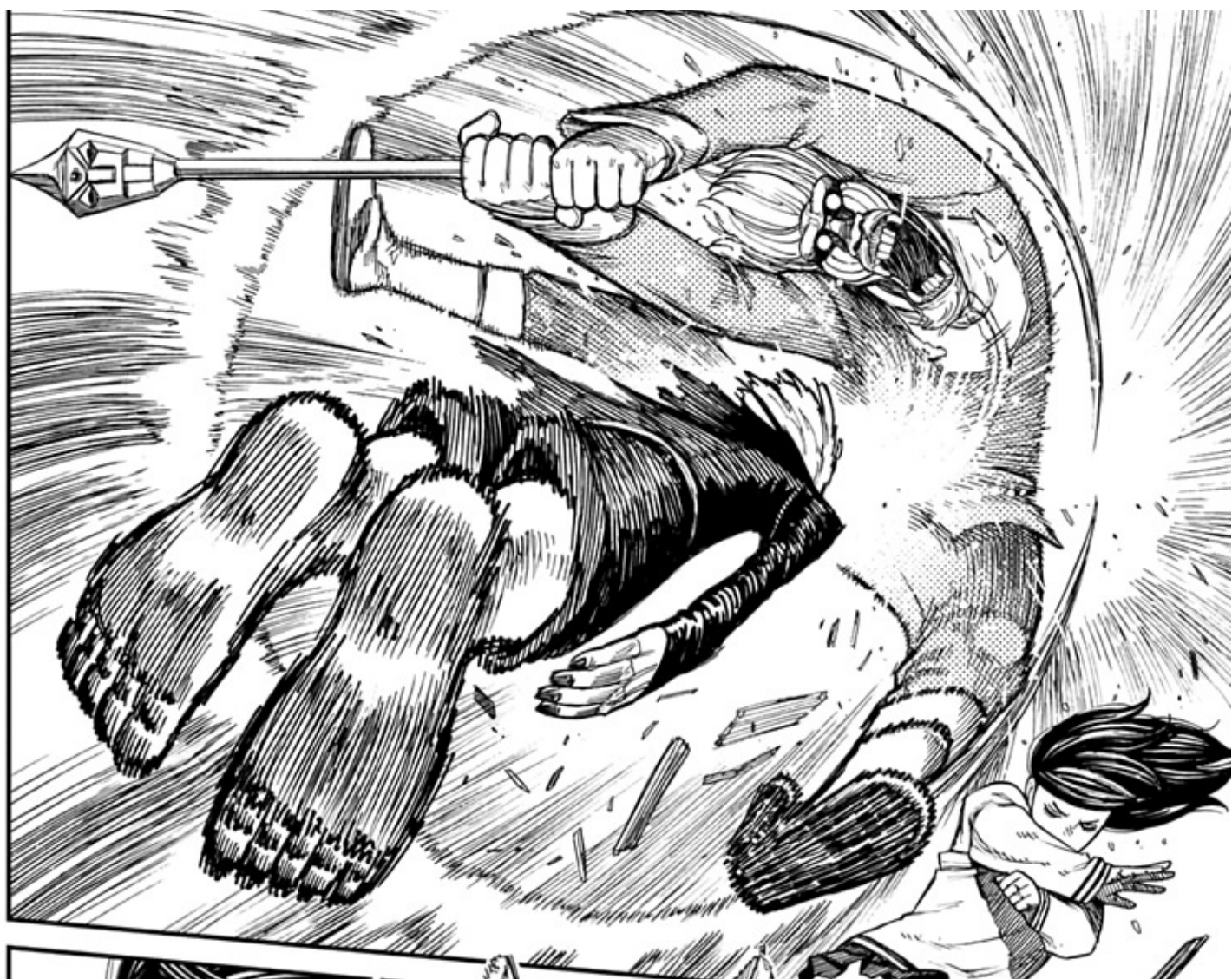


هنوز تموم
نفسه دوش!
له اقلش توروب
خودم می برم
دوش!



لنی اگه
میوریشم
تالمرگ
کتکت بزنم
دوشش!





خیلی
افسردهم





می دونی، دلم
واسه تنگ
شده بود...

...مومو
جان.



اوکارون!

هورا! به حالت
اصلیت برگشتی!



بخشید
خانم آ یاسه!

من واقعا
بی مصرفم!







وقتی قبلاً به
فروشگاه خیابون
ناکانو رفتیم...



...به نظر میومد
واقعا می خواستیش
خانم آ یاسه، برای
همین...

هوفف
هوفف



گلگو ۱۳
روی دی
وی دی!

تازه نسخه
خاصشم
هست!



حقیقتش
صبح روزنامه
رسوندم. از
اون کوتاه
مدتاش...



نمی خواستم
بفهمی که دارم
واسه کادوت پول
جمع می کنم...

...برای همین
بهت دروغ
گفتم...



اما این باید
گرون باشه.

شغلی هم نداری
او کارون.

چطوری
خریدیش؟



چپتر
27

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus



مزدهش
افتضاحه!

مزدهش
افتضاحه!

همه
گوشتارو
نخور!

کی اهمیت
میده که
مهمونی؟!
می تونی فقط
پنیر تازنی بیل
>اشته باشی
فقط همین!

چون که من یه
مهمونم پس باید
بهم زود و گورو
تعارف کنی!

اونی منو
خور دی!

اوخ!

پوف!





وقتی دستشویی
می‌کنه خونریزی
داره.

واگه روزانه بهش
خون تزریق نکنیم
می‌میره.

زنم هم به خاطر
همین بیماری
مرد.



ام‌الان تبدیل به
منطقه درگیری شده،
و اونجا اصلاً نمی‌تونم
هیچ کمک مالی‌ای
جمع کنم...

...برای همین واسه به
دست آوردن پول
خارجی همه جار فتم.



هاه؟ چی؟
ببخشید،
متوجه نشدم!

برای درمانش
نیاز دارم به
金銀.



همون چیزیه که
"پول" صداش
می‌زنن.

پول خیلی
زیادی نیاز
دارم.



ولی من
ضعیفم.



ما:~:ها بدن های
قوی ای داریم.

می تونیم مثل :~:یا
بادیگارد و این چیزها
کار کنیم.



برای یه :~:ای مثل من
که توی موقعیت های
سخت شکست خورده
هیچ کاری وجود نداره.

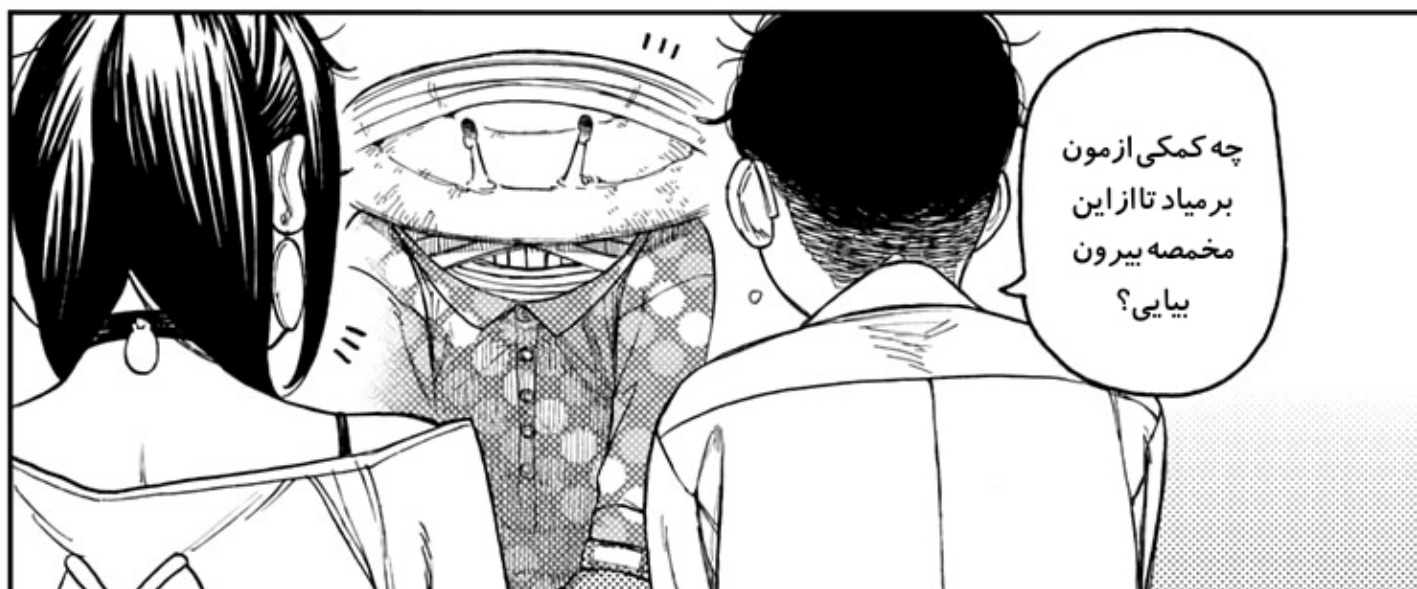
تنها کاری که می تونم
بکنم کارهای خطرناک
به عنوان یه یاغیه.



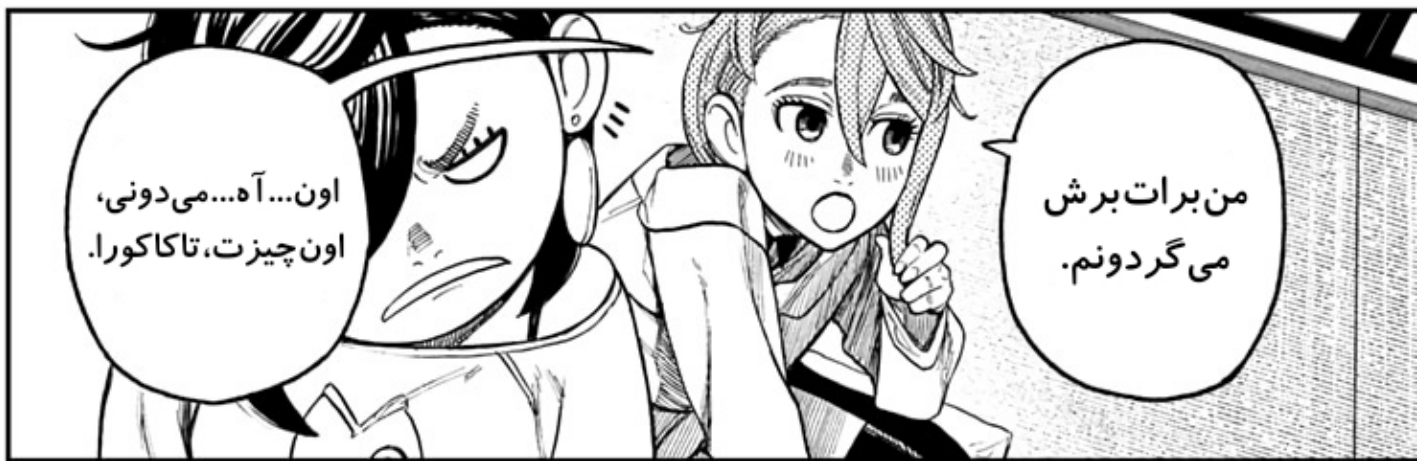
به خاطر ضعیف
بودنم بود که
زنم مرد....

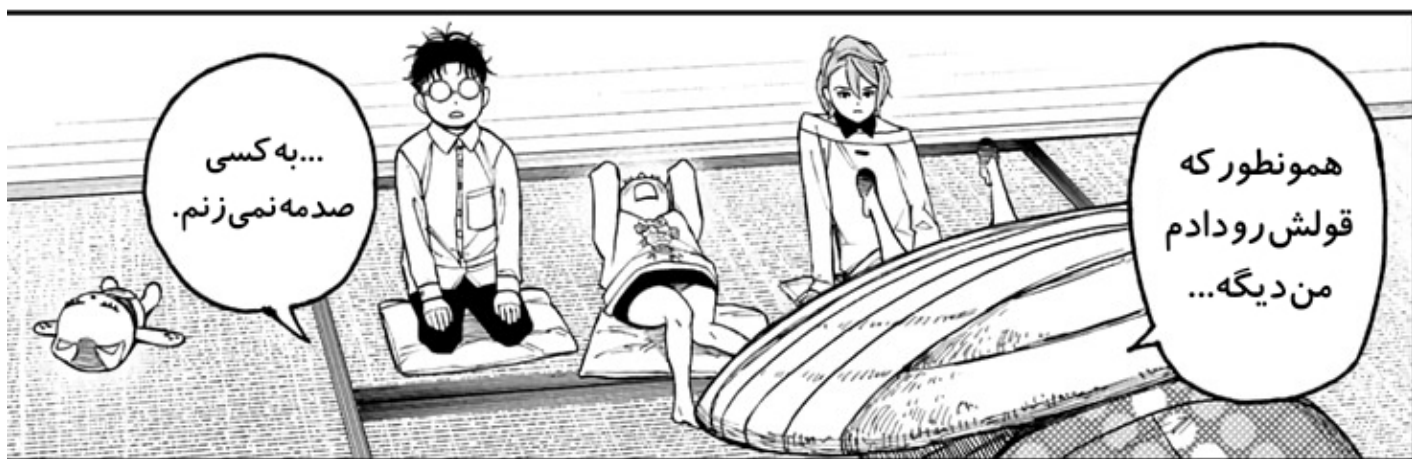
...و به شماها
صدمه وارد
کردم...

...و به پسر
استرس وارد
کردم.

















شیر تا
حدودی
«خون»
گاوهاست...

...ولی هیچوقت
فکر ششم نمی کردم
شیر خون هیولاهای
کا پاهم باشه!



خون شیطان
دوور شیره!

جدا؟!
خب، الان
میریم کلی
شیر میاریم!!!

همم، ولی
یه کم ضعیفه.

به خاطر مصرف
انسانی رقیقش
کردن.



می تونی هر
چقدر
می خوایی
ازش
بگیری...

یه کشاورز لبنیاتی
می شناسم.



...وبعد از سلامتیت
محافظت کنی.



ازش می خوام یه
گاوبهت بده.





هیچوقت
بدهی ای که
بهتون دارم رو
فراموش
نمی کنم!

خالصانه
ازتون
متشکرم!



اگه به موقع
نیازم داشته
باشین...

...طرف شمارو
می گیرمم!



التماست
می کنیم لطفا
واسه مون
یونیفرم بذر
مامان بزرگ!

فو مم

به عنوان
دو دوری از
حقوقت
استفاده
کن!

ما هی

چند بار باید بهتون
بگم که برای شما
جزغله های یونیفرم
نمی خرم!؟

این سری
دیگه خوب
لواسه مون
بهش هست!



آیراو
چهارچشمی.

مال شماهارو
می خرم.

!!!



برای ماهم؟
مطمئنی؟!؟

ماهادانش
آموزیم. پول
نداریم.



تواینجور
مواقع بایداز
بزرگ ترها
سوء استفاده
مالی بکنی.

ولی
این...

...سومین
بارمونه.



وایساچرامن
نمی تونم
یونیفرم داشته
باشم مامان
بزرگ مفتخر
عزیزم؟!؟

از نگاه توی
چشم هات
خوشم نمیداد.

از توش داره داد
می زنه که میگی
«بیاز بزرگ ترها
سوء استفاده مالی
بکنیم!»

اوپس...



در صورتی
بیخیال این
موضوع

...که خودتو شکل
هیروشی بکنی.





بحث یونیفرم رو
فراموش کن.

اصلا چرا باید
تخمم باشه؟



به هر حال من
که قرار نیست
پیوشمشون!



واو، واو.

شونی
می کنی
دیگه؟
همراگه
این کارو
بکنم!

فکر کردی داری با
کی حرف می زنی؟
کافیه.

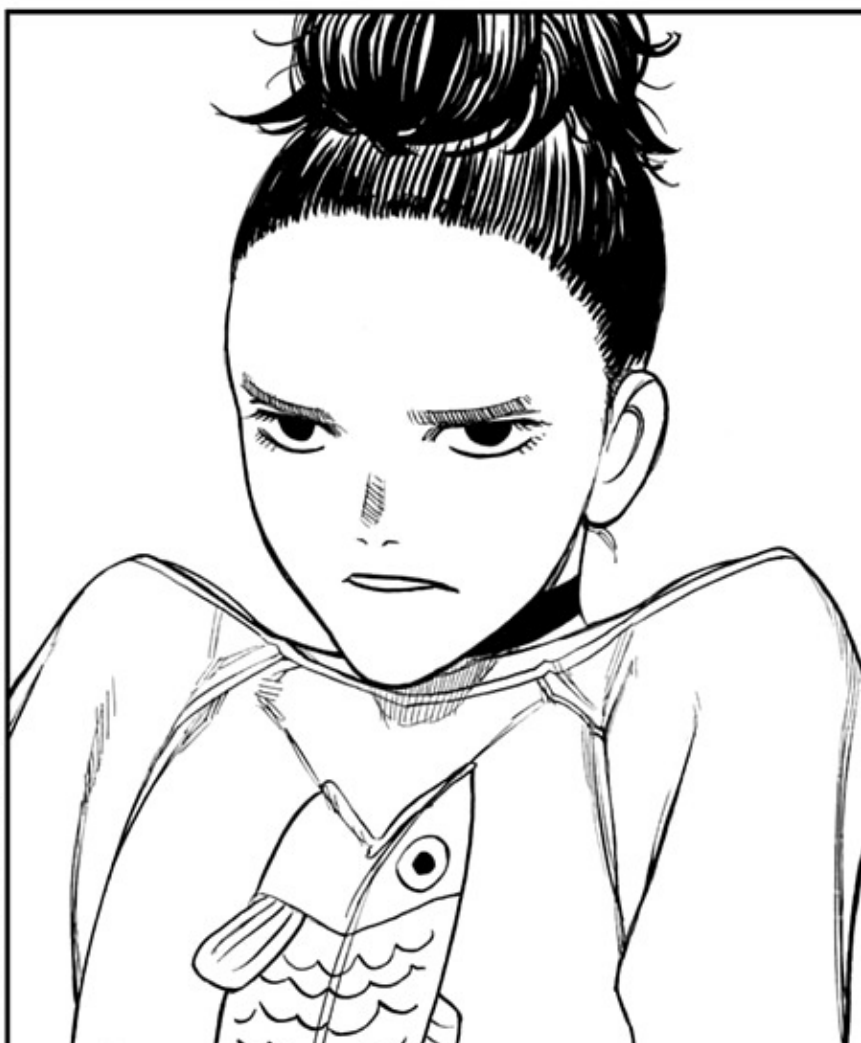


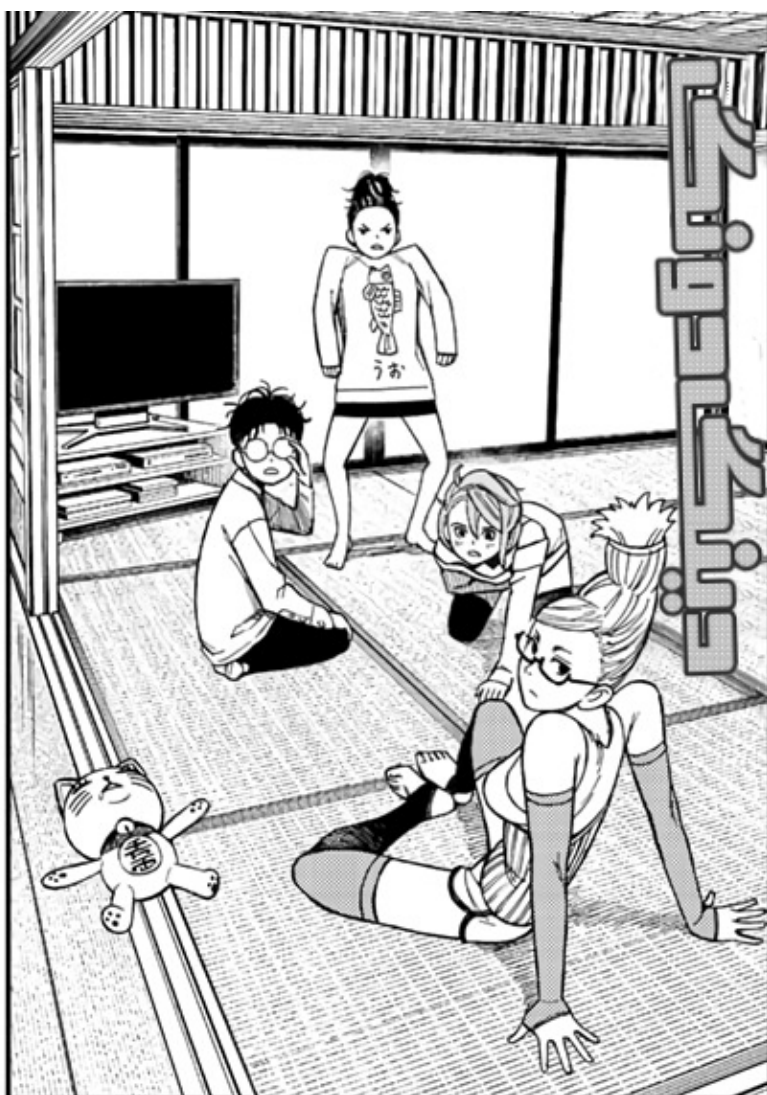
خب؟

باهاهاهاهاه!
قیافه ش چرا این
ریخته؟! ناموسا
محشره!

یه جورایی
یامره س...

اصلا هم
شبیپش
نیست! داری
حالمو بهم
می زنی!









چپتر
28

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus



اون عشق
اول...

خانم...
آیاسه‌س؟!



جیز، خیلی
خفن به نظر
میاد...

با توجه به تیپش
میشه گفت یه
ورزشکار توپه!



خیلی هم بی
غل و غشه.

چون خانم
آیاسه عاشقش
شده...

پس باید
آدم واقعا
سرسختی
باشه...







هیا! پس مجوز
من چیا
میشه!

خب، با
اجازه!



هاااه؟
برای
چیا؟

داری مخالفت
می کنی ولی قیافه ت
داره داد می زنه که
اینا همه ش به خاطر
عشقیه که بهم داری!

اووه، عجب
نابغه‌ای.



می خوان شیاطین
جدیدی رو بیارن؟!

این خیلی
غیر طبیعیه.

م-می خواد
اینجا زندگی
کنه!



نکنه می خوان
آدم فضائی های
پراراده رو جمع
کنن...

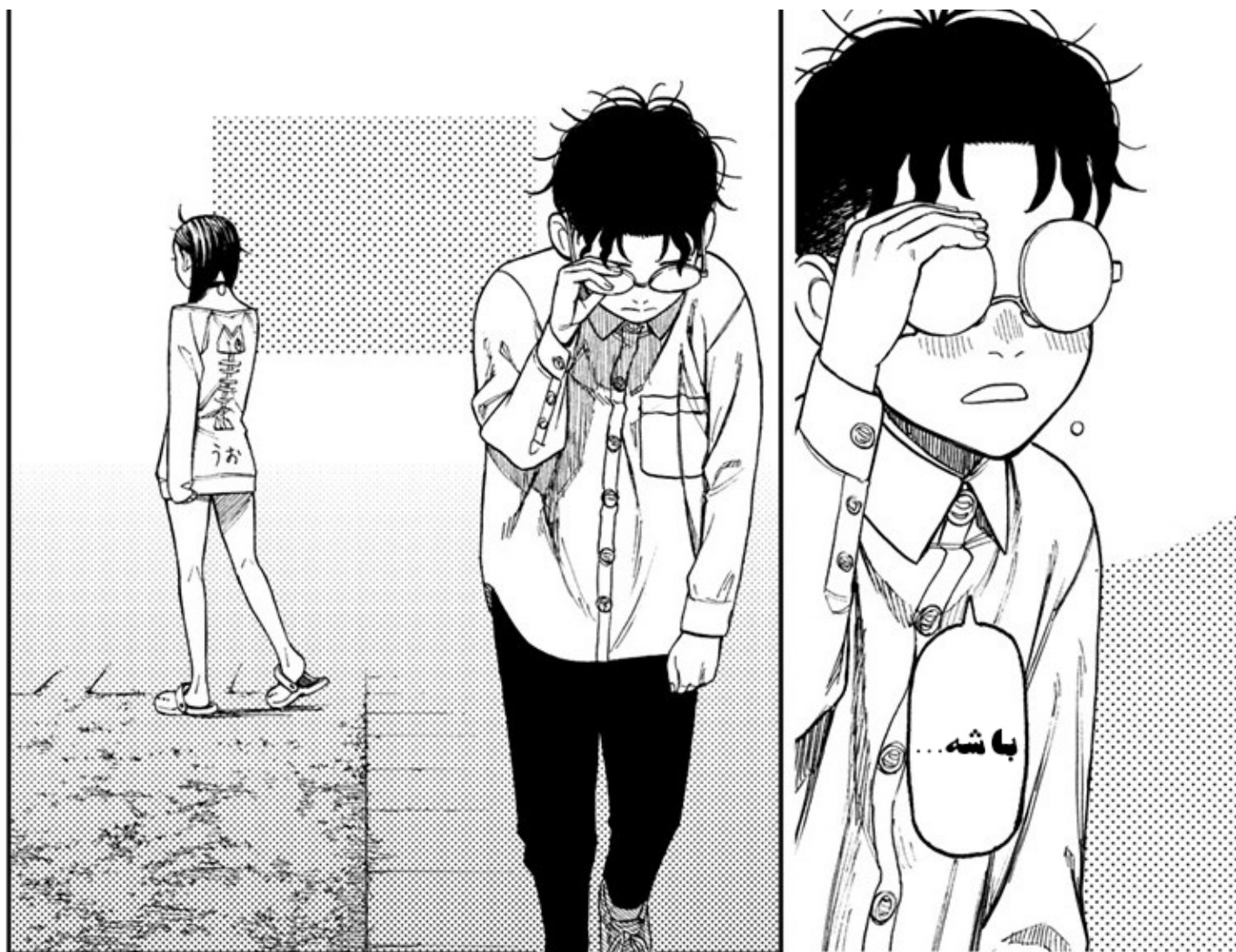
...تا برای جنگ پایان
دنیا آماده بشن؟

نه، فکر نکنم
اینطوری
باشه...











ببین، بهت
که گفتم.

خب چرا
اینجا؟!

اینجور مواقع
باید بره پیش
فامیلش بمونه!

جیزز، خیلی
سردی.

مادر پدر جیجی
جفتشون رفتن
بیمارستان.

مردم باید در
مواقع نیاز بهم
کمک کنن.

خانم، شما خیلی
باحالین، ووو!

واوواو،
جیجی.

تو واقعا یه
نابغه ای هاه؟

غذا تو بخور.

ممنونم!

مامان بزرگ، اون
فقط مختوزده!

احمق
نباش.

من تو عمرم
حتی یک بارم
احساساتی
نشدم.

خدا یا، شما خیلی
مهربونین خانم.
جدی میگم!

پسر، این نابغه
بازیات کی تموم
میشه جیجی؟

غذا تو
بخور.



ممنونم!

اینجا به چیز
بامزه داره
اتفاق میفته.

یه بامزه
عجیب
غریب!



وقتی ابتدایی
بودیم من
مسخره ت
کردم مومو.



ولی حالا که
بهش نگاه
می کنم...

... الان عمیقاً از
بابتش پشیمونم.



ماتا حالا...

... دوستای
خوبی واسه
هم بودیم؟





ولی
کم کم...

...متوجه شدم به
جای کار می‌لنگه.



به علاوه،
خونه مون هم
بزرگه. واقعا
عالیه.

اولش خیلی
هیجان زده بودم.



توضیح
دادنش سخته
ولی...

...چیزایی
که اونجا
بودن...

...مثل توالت
و حموم...

با حالت
عادیشون فرق
داشتن.



درباره‌ش به پدر و
مادرم گفتم ولی
توجهی نکردن.

حتی خودمم
متقاعد کردم
که...

...اینهمه‌ش
توهماتمه.

تظاهر کردم که
چیزی وجود نداره
و به زندگی عادی
ادامه دادم.

ولی...





بعد از اون،
پدر و مادر من
مریض شدن.
گیرم معروف
استخدام
کردیم...

تا عملیات
جنگگیری رو
انجام بدن.



و از اون
موقع...

...شخص
می بینمش؟



یهو جلوم ظاهر شد،
خیلی واضح بود...

...انگار که
می خواست بگه،
«هی، به من نگاه
کن!»



از...
پنج تا شون،
سه نفر شون...
خودکشی
کردن.

و بعد...



آخرین نفر
به هم گفت...

حتی
با تهر به ترین چن
گیرم نتوانست
جنگگیری بشکنه.



اون تماس
بگیرم.



اون عجوزه پیر
حتی بهم نگفت که
قراره بیایی اینجا.



می تونستی از همون
اولش داستانو
واسه م بگی!

پس قضیه از
این قراره.



حالا
می فهمم...

مومو.



میشه بس
کنی!؟

برای چی معذرت
خواهی می کنی!؟



من خیلی عذر
می خوام.



برای خیلی
چیزا... مثل
مسخره
کردنت توی
گذشته.



اگه می خواستی عذر
خواهی کنی از همون
اولش نباید در باره ش
ازم می پرسیدی.



وقاتی
کردنت
توی...
...این مسائل
خطرناک.



عیبی نداره.

مامان بزرگ من
قوی تر از این
حرفاس.



چپتر
29

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

بی نهایت ازتون
سپاسگزارم! من
تازه به اینجا انتقالی
پیدا کردم!

اسم جین
انجویه!

پوم-پوم-
پوم-پوم!

ولی می تونین منو
جیجی صدا بزنین!

واوا! خیلی
باحاله!

و همینطور
جذاب!

تج!

عیج!



توی...
بیمارستان
هستن.

والدین
انجوجی...

جی-ویز، عجب
خوشگل جیگری
هستی!



الان داره توی
موقعیت سختی
سروپنجه نرم
می کنه...

اوه نه!

اگه شماره تو
نگیرم که
می میرم!

...برای همین باید
خوب هواش رو
داشته باشیم.



آه،
دختر بازاری
مثل تو خیلی
رو اعصابن.

توسط یه
وحشت! زیارو سوخته
شده!

این حرفا رو
یادم می مونه.

یه زیارو؟



می تونی
کنار آ یاسه
بشینن.

شماها همو
می شناسین
نه؟

نه! اونقدرام
بهم نزدیک
نیستیم!

هیچکدوم این
حرفا درست
نیستن.









یعنی
ممکنه
که...

...احساساتشون
دو طرفه باشه؟!



...یعنی دیگه
با من دوست
نمی‌مونه...

اگه خانم آياسه
آخرش با اون قرار
بذاره...

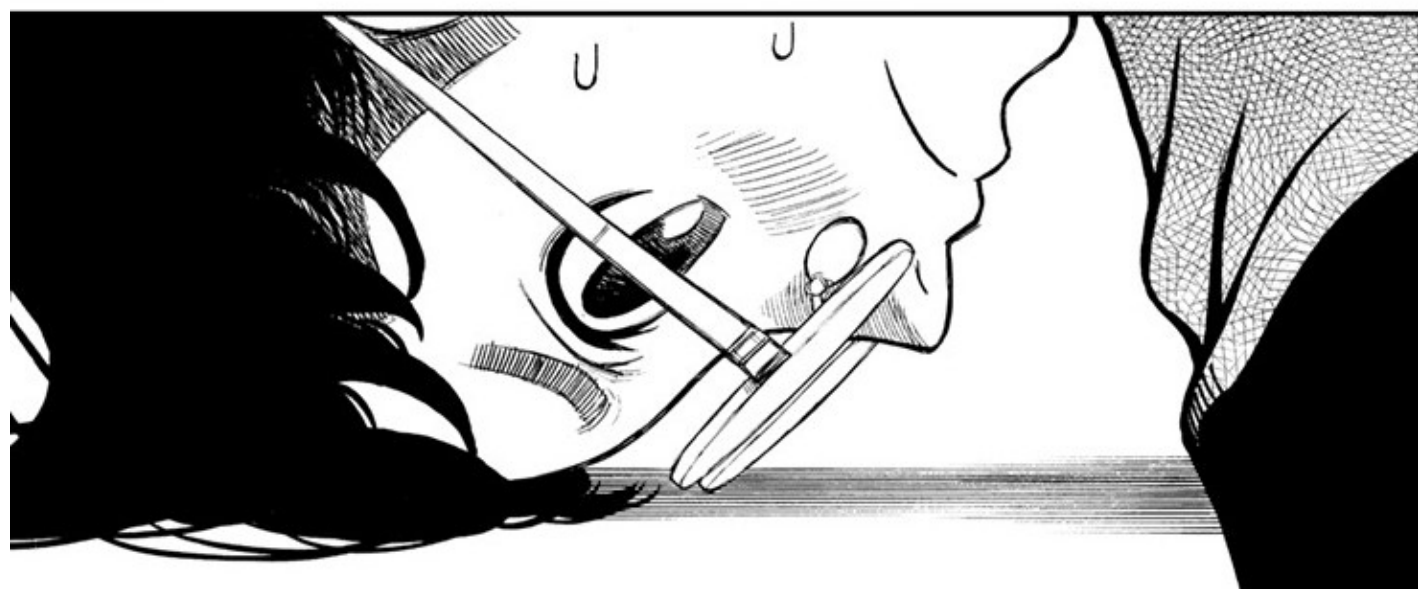


مطمئنا به تمام
چیزایی که اون
علاقه‌منده علاقه
پیدا می‌کنه...

...و تمام
علاقه‌ش به
چیزای ماورایی
رو از دست
میده...

این یعنی دیگه
نمی‌تونم توی
اوقات فراغتم
باهاش صحبت
کنم...

...یا حتی
باهاش بیرون
برم...















فایده‌ای
نداره...

نمی‌تونم
ببینم...

...که خانم آياسه
انقدر با خوشحالی
بایه پسر دیگه
حرف می‌زنه...



سعی می‌کنم
بیرون رفتنم با
خانم آياسه رو...

...قطع کنم.



فکر
کردی
من
بیخیال
شدم؟!!



این بهترین
تصمیم...
...برای من...

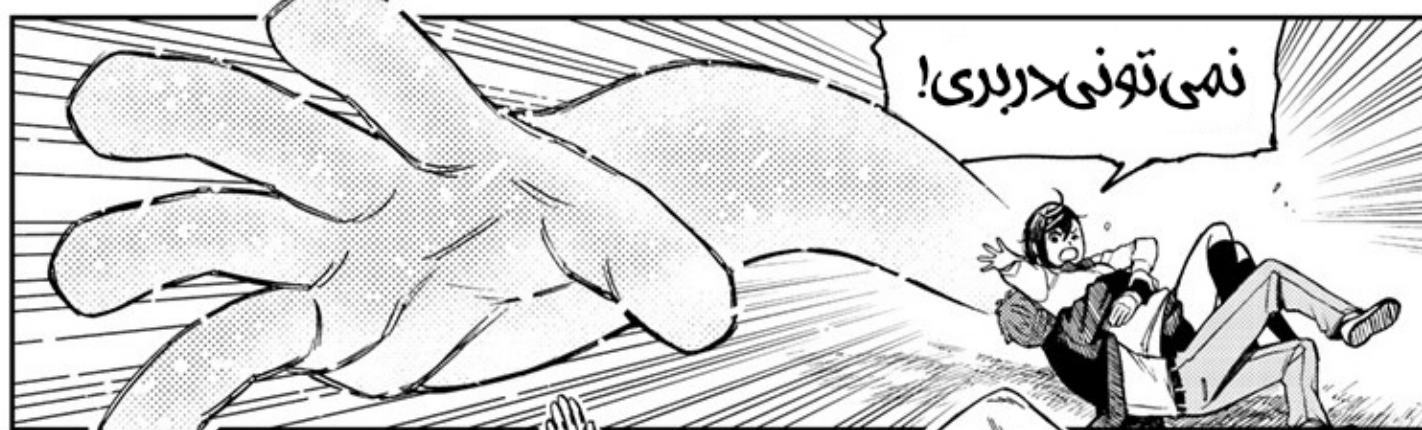
...و خودشه...

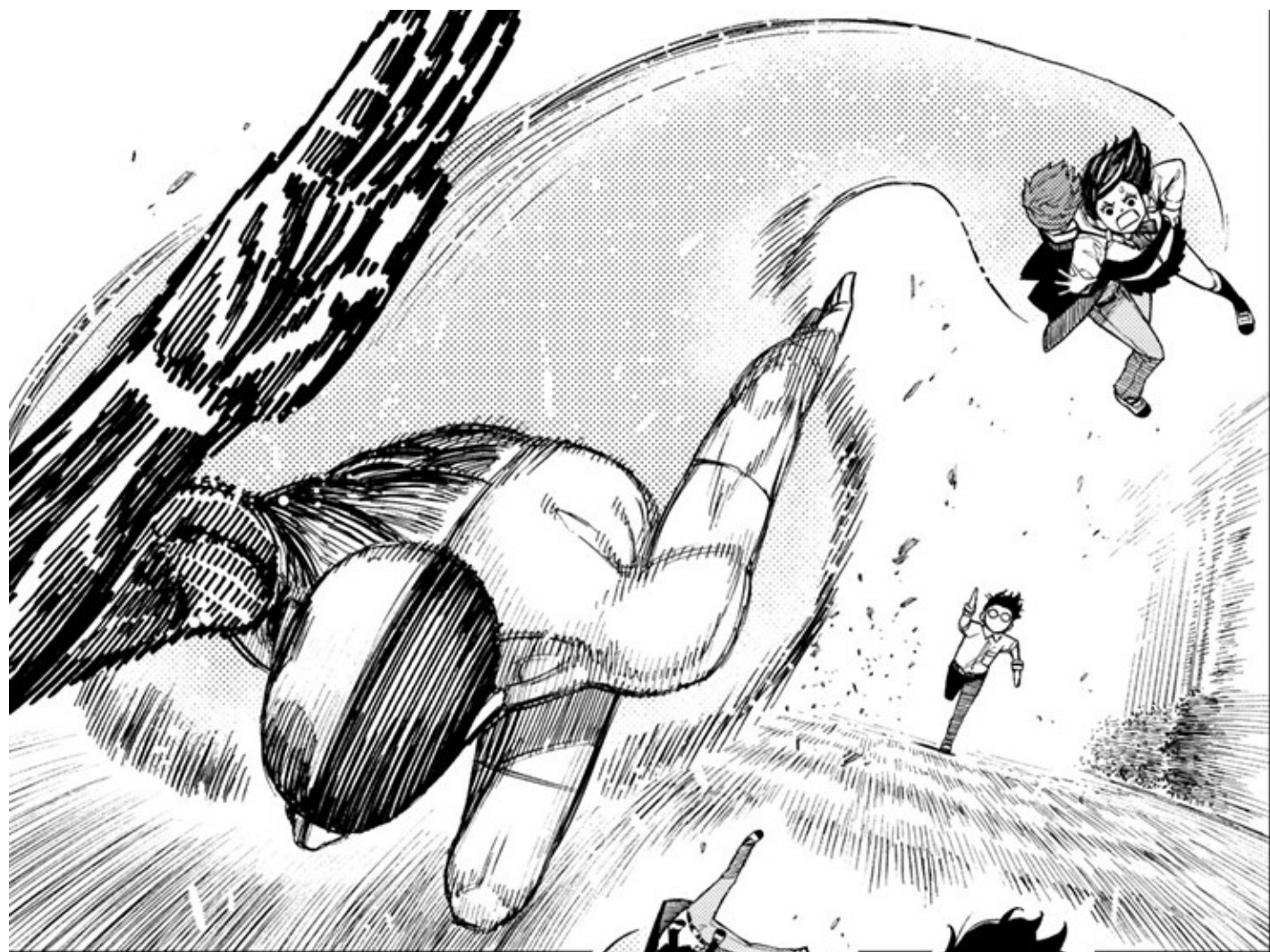












چپتر
30

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

DANDADAN

چپتر ۳۰: تسلیم نشو!



از یوکینبو تاتسو



چرق

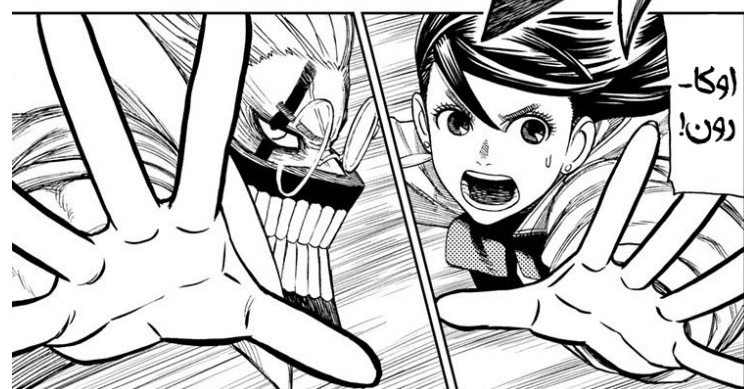
چوروک

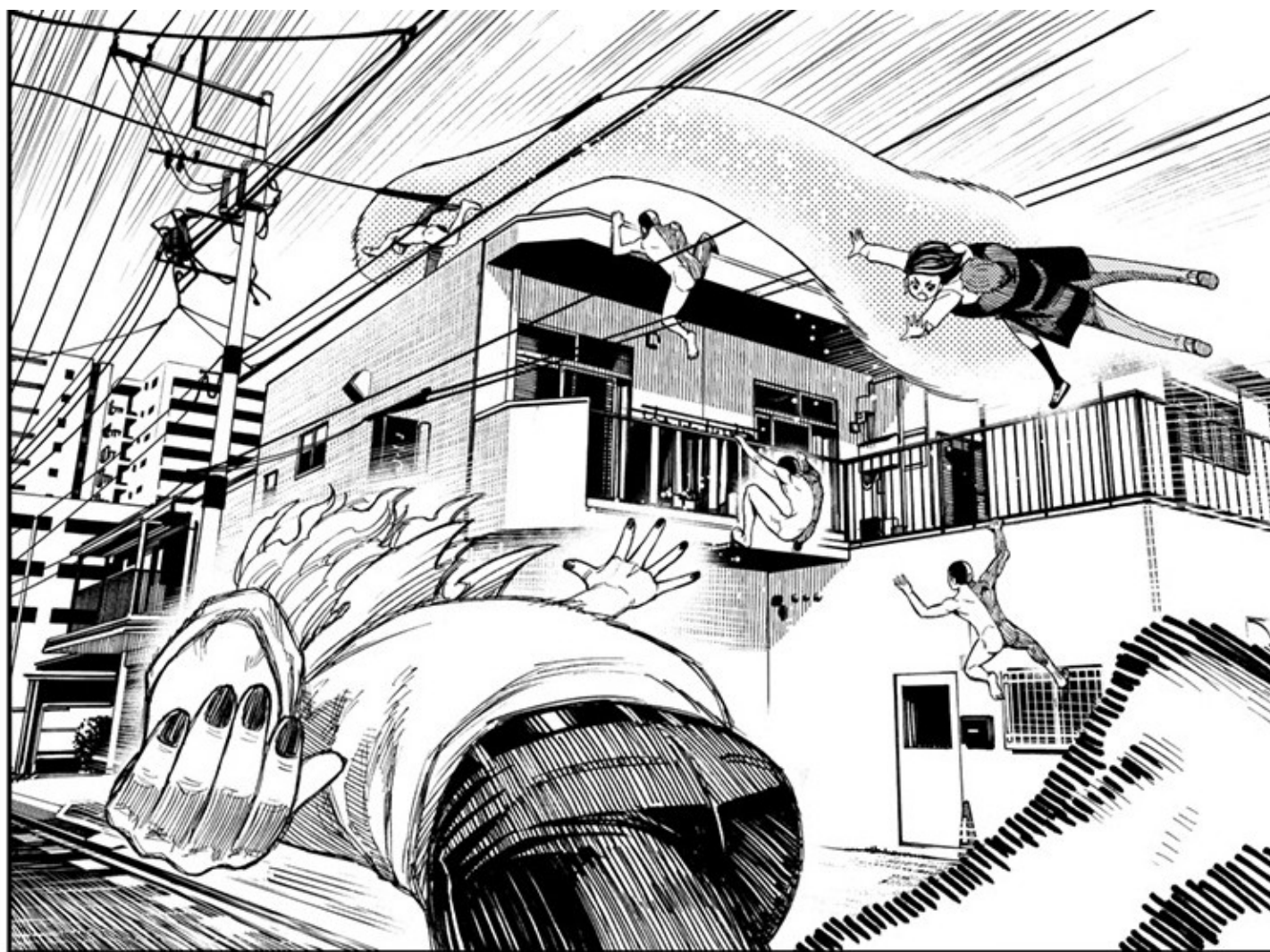
واقعا از
این اوضاع
خوشم
نمیاد!

توپش
طلاییه!

اوکارون!

نمیشد فقط
ازش دور
می‌موند!





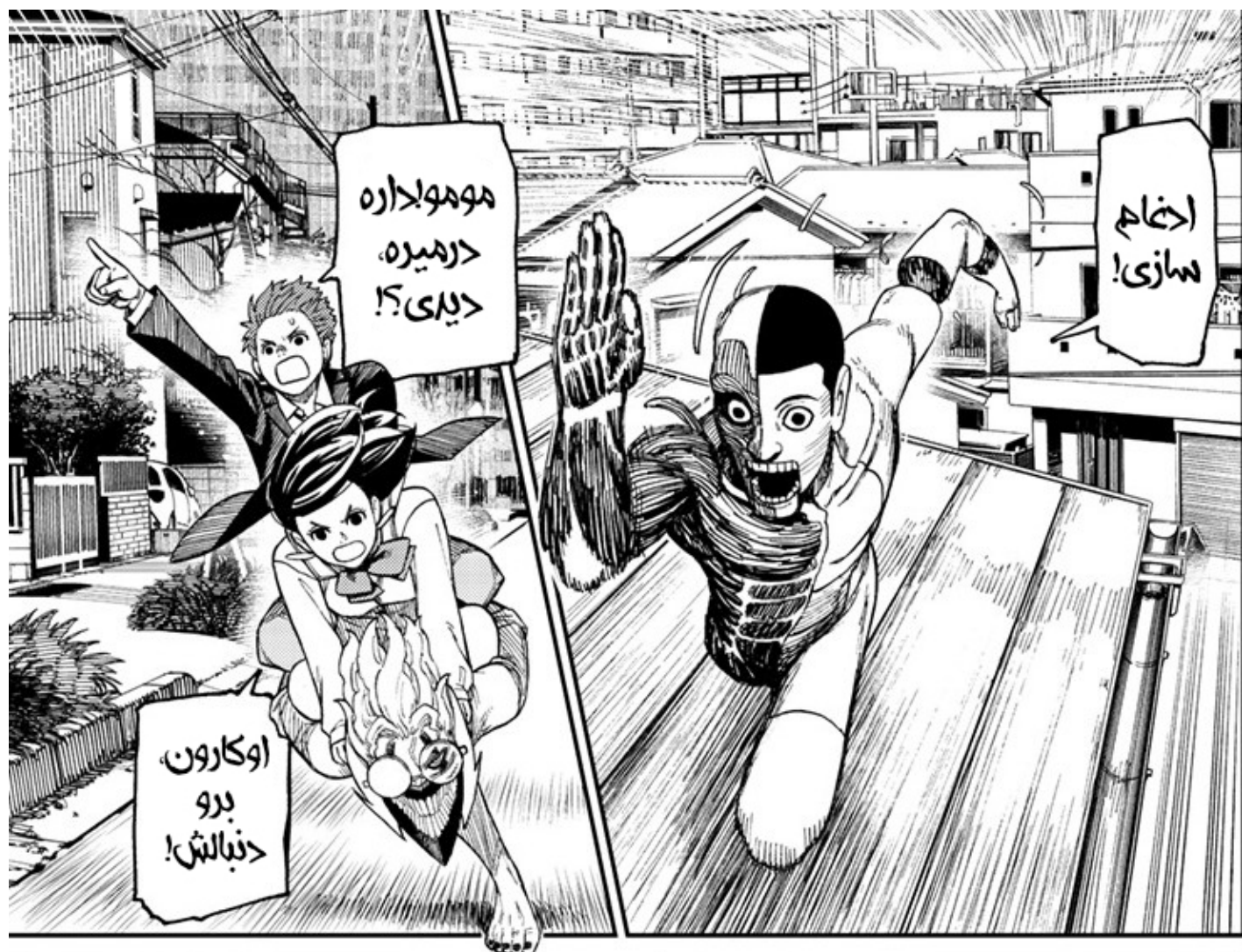




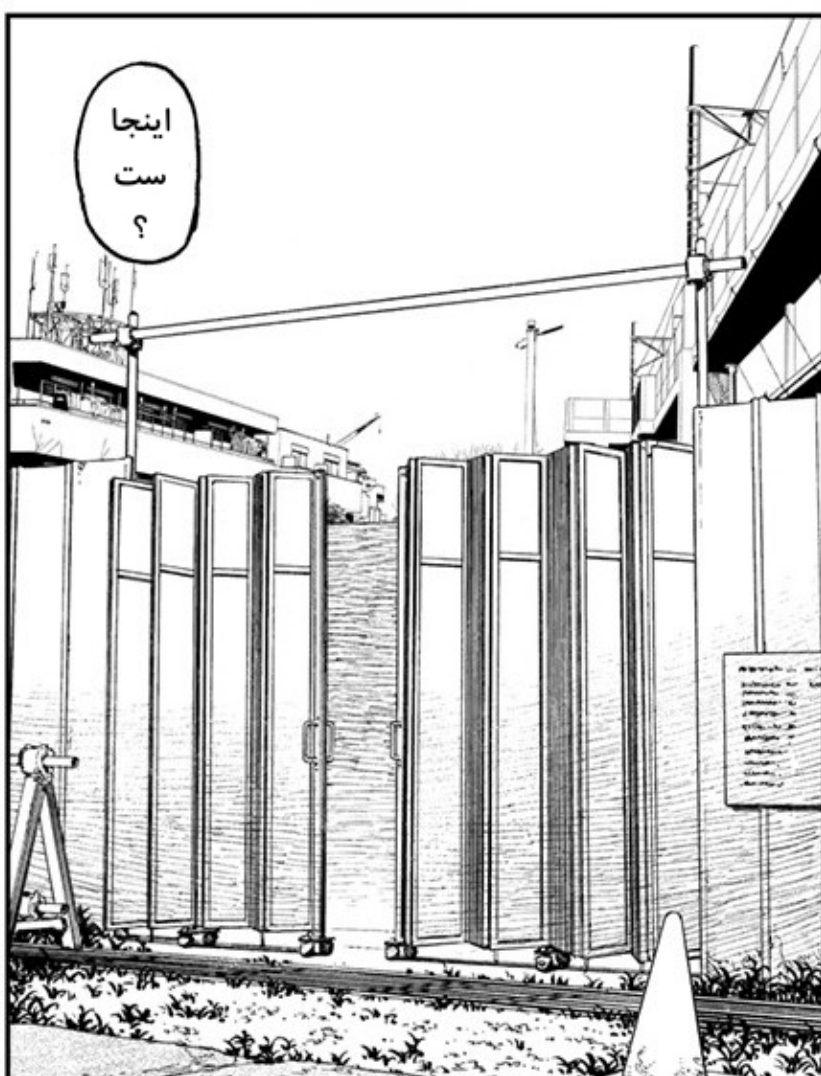








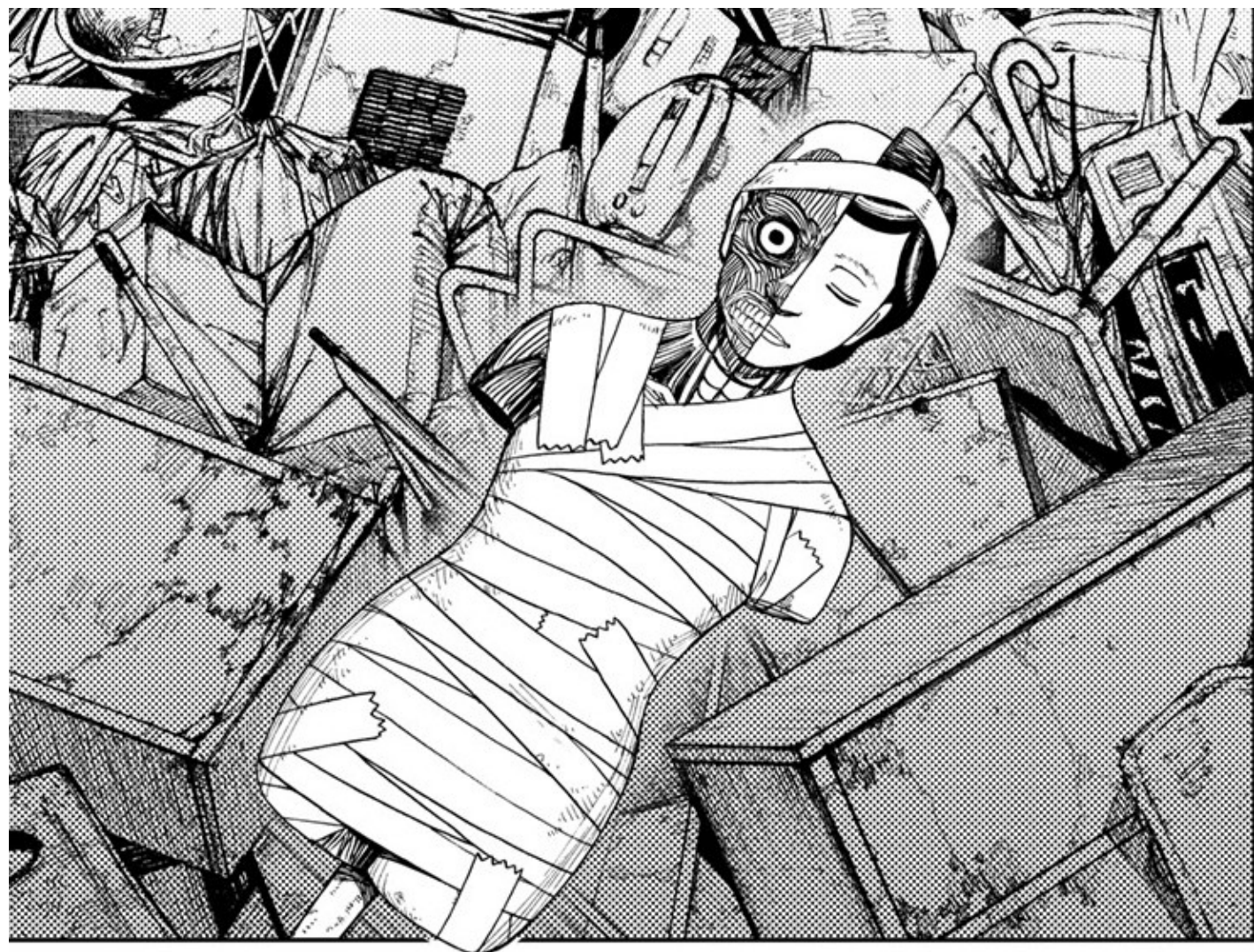
















من نقشم
رو بازی
کردم و
الان دیگه
تموم
شده!

قبل از اینکه تو رو
هم به آشغالی
بندازن برگرد!



نه! ماها از
دوره های
کاملاً متفاوتی
هستیم!

ما توئی
دنیا های
مختلفی
زندگی
می کنیم!



اهمیتی
نمی دم.



تو زنی هستی
که عاشقش
شدم.

هر اتفاقی هم که
بیفته رهات
نمی کنم!



بیابا هم
فرار
کنیم!

اگه همین
الان یه کاری
نکنم...

...تا بقیه
زندگیم از
بابتش پشیمون
می مونم!

اوه،
تارو!



چپتر
31

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



MyMangaPlus

DANDADAN

چپتر ۳۱: زندگی یک مدل کالبد شناختی



از یو کینوبو تاتسو



لطفا!



بذارین توی
این خونه
بمونه!





خب بذارین تو
خونه خودتون
بمونه، چرا این
کارو نمی کنین؟

نمی
تونیم!

این خونه
تنها جاییه
که...

...امید داریم
بتونیم
اجازه ش رو
کسب کنیم!



از اولش شروع
کنیم، چه بلایی
سر اون مرده
اومد؟

هی، منوبا
اون جزغله
یکی ندون!
شرط
می بندم
حتی غذا هم
نمی خوره،
اینطور
نیست؟!

این گربه هم
اینجاست پس
چرا که نه؟

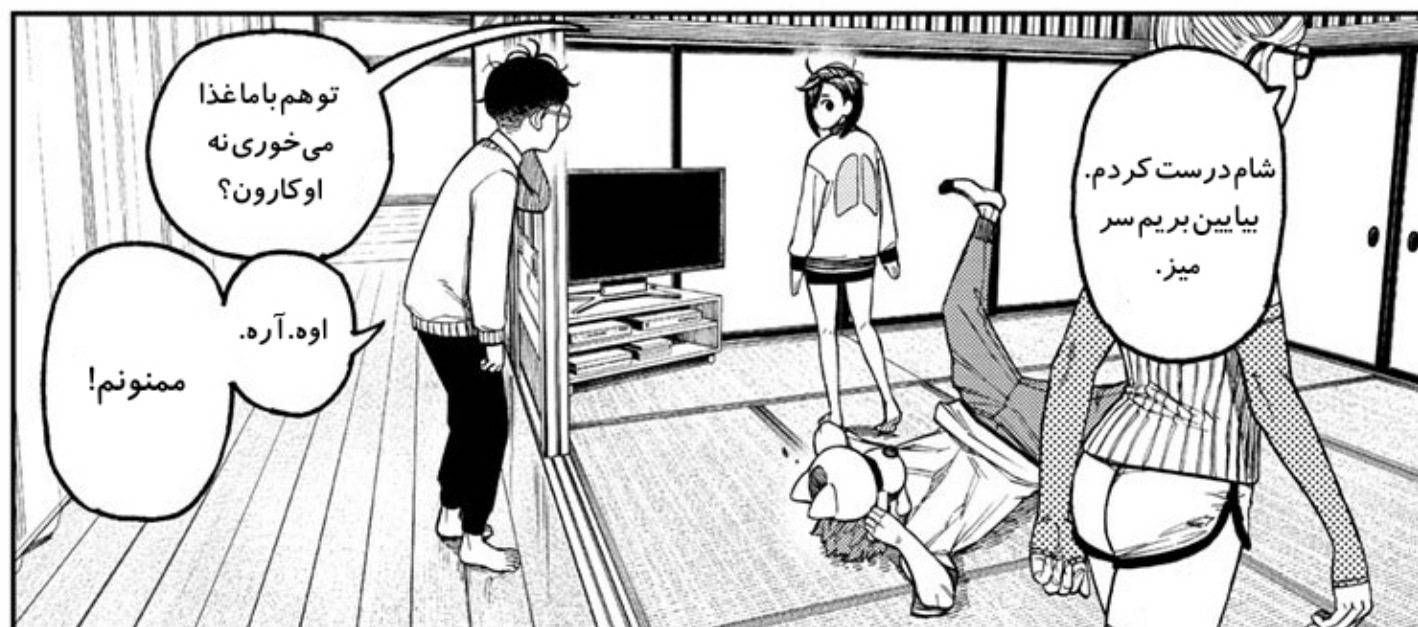


به اتاق علوم
بر گشت.

هاه؟





















یعنی فقط
خودتون
دونایین؟!



نه بابا!

می خواستم بگم تو
هم بیایی او کارون.

تنهایی
راحت
نیستم.



اگه اینطوریه
پس بیاز و جمع
کن بریم!

بیاز سریع
مشکل
کنیم!

اینطوری بیایی هم
می تونه سریع
برگردم فونه ش!

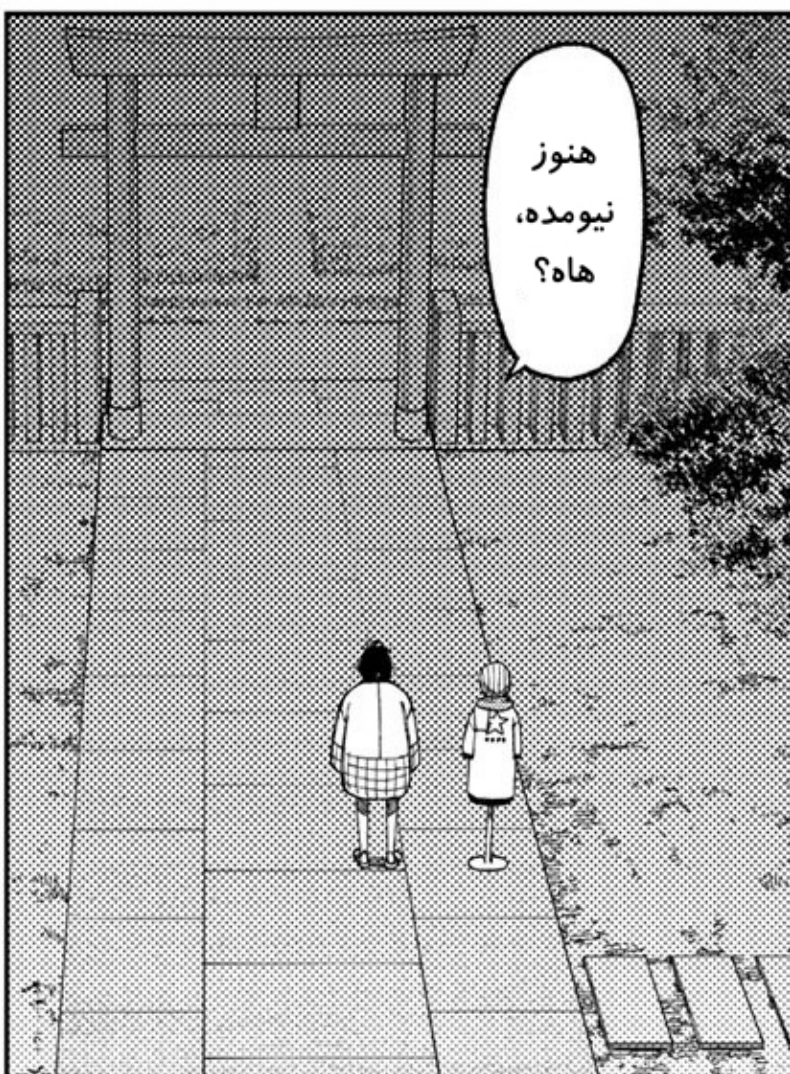
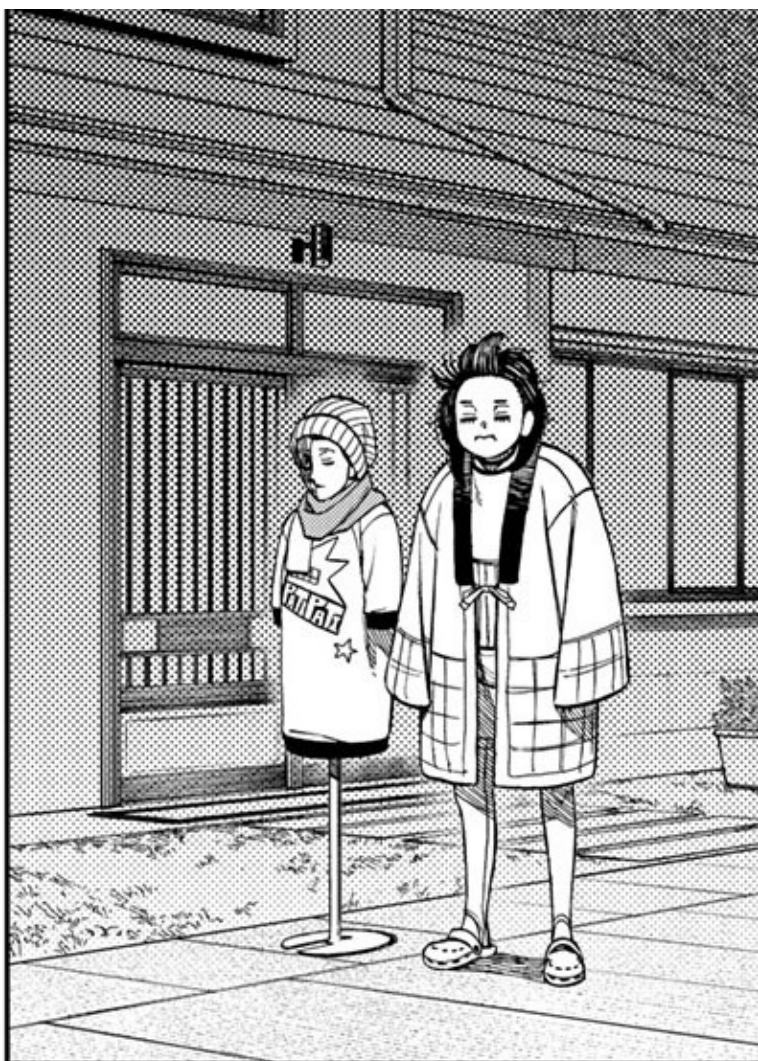
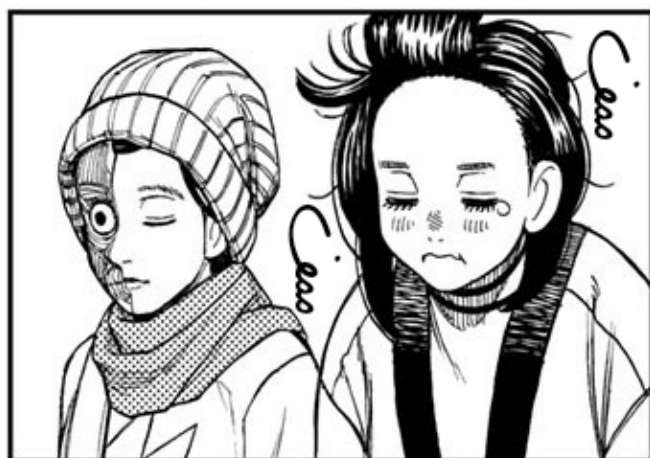
پرام...؟

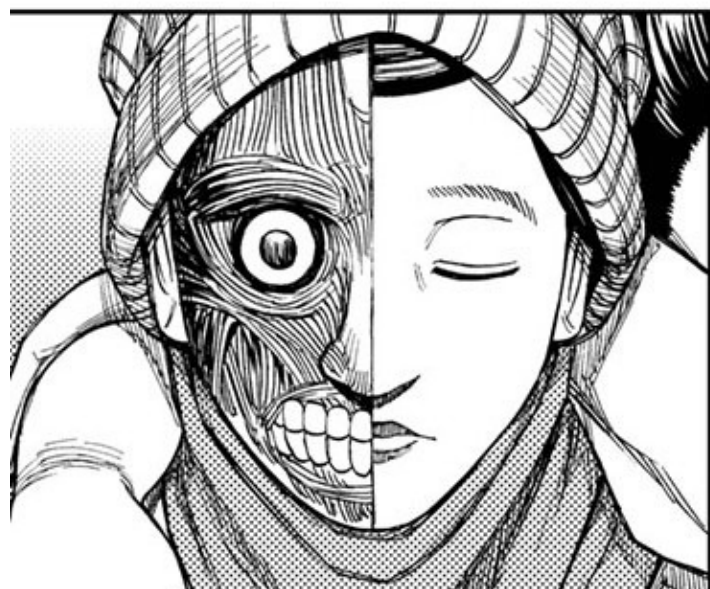
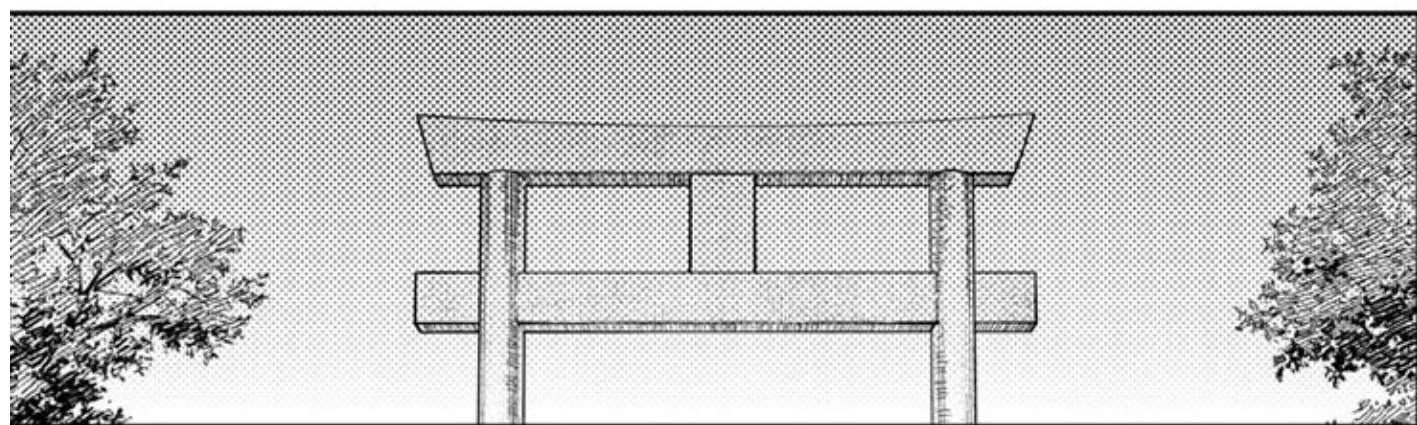
متشکر مم
هوو!

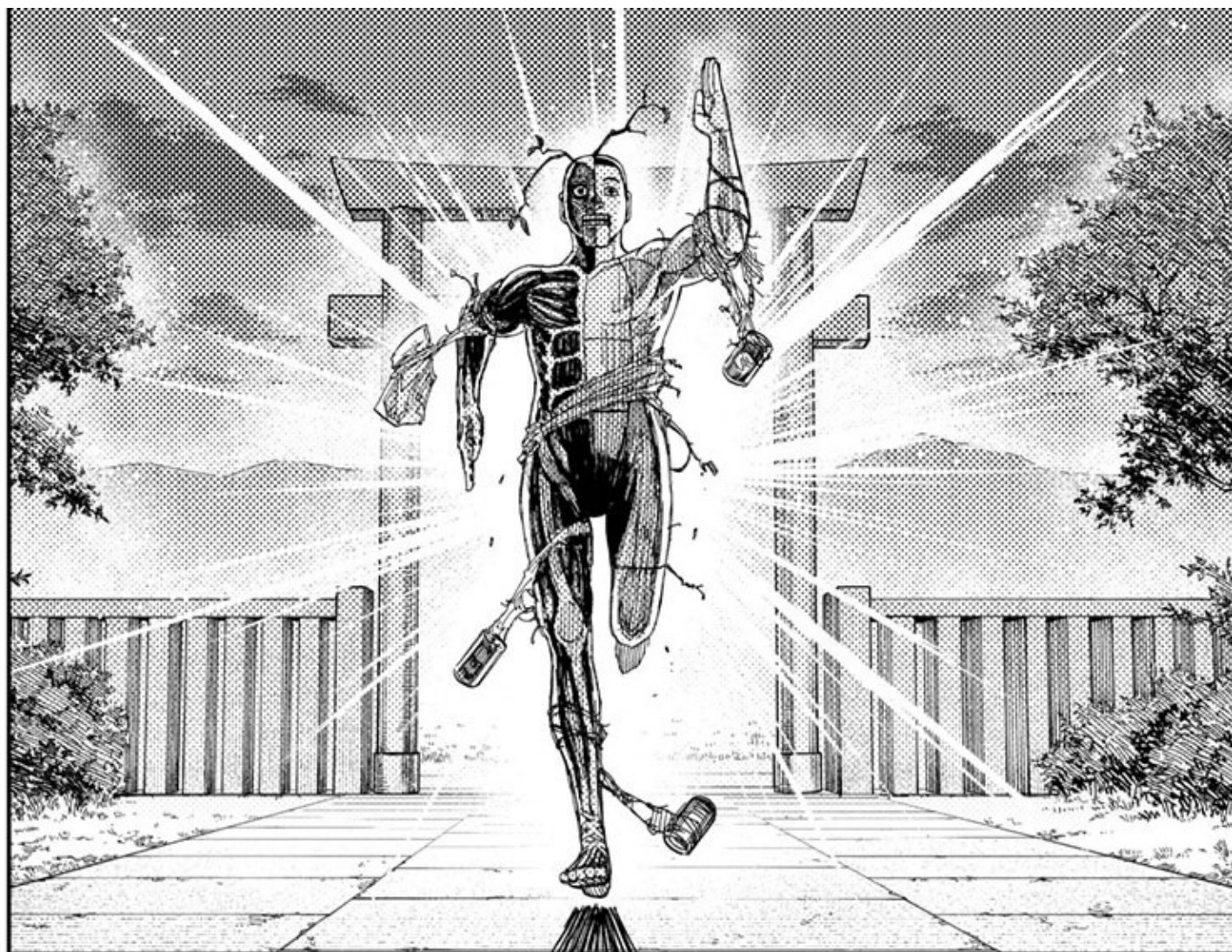
















...به خاطر
اون...

چپتر
32

جلد
04



تایپسٹر

Shion

کلید

Shion

مترجم

Melzz

مانگا پلاس در تلگرام



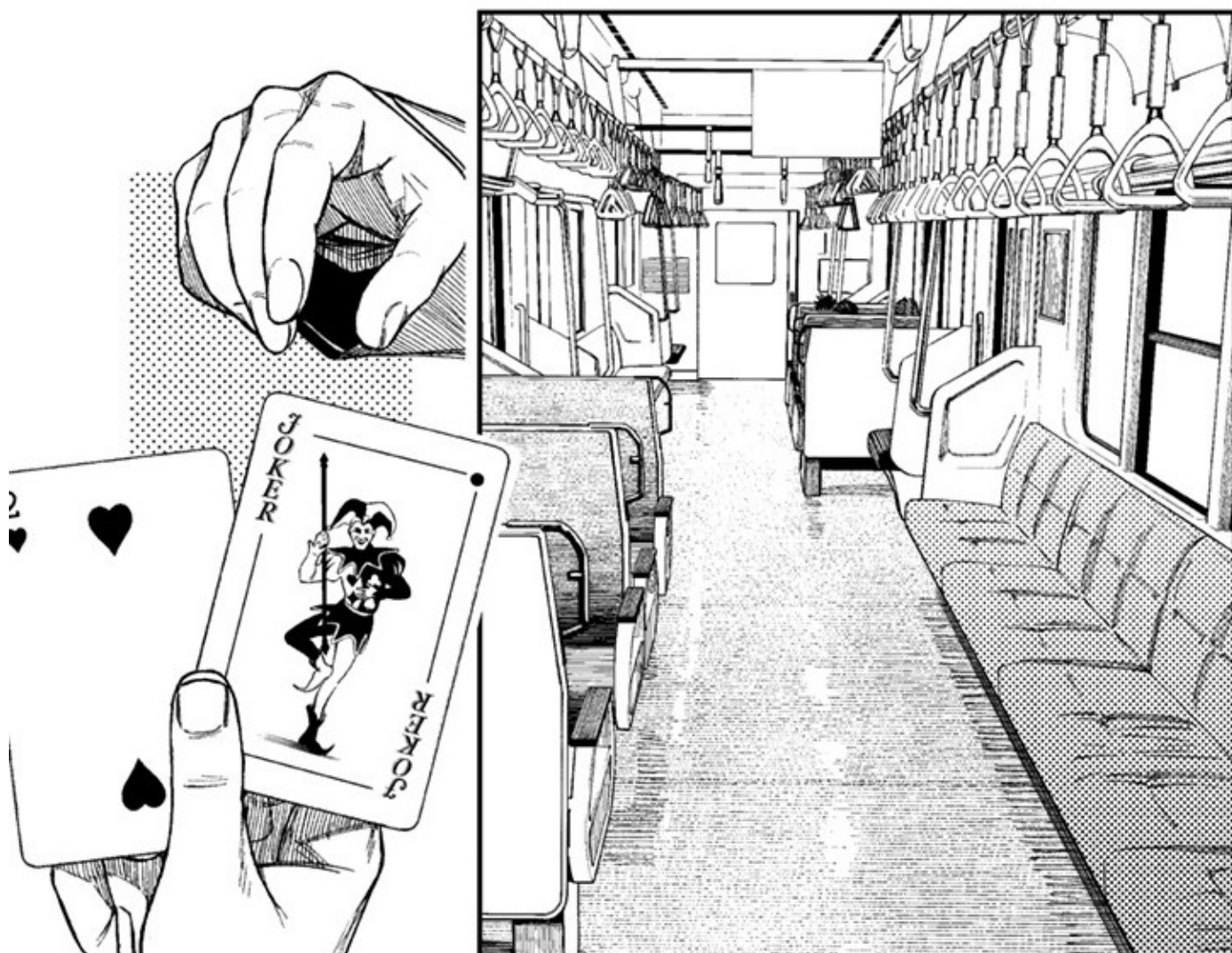
MyMangaPlus

DANDADAN

چپتر ۳۲: پیش به سوی خونه نفرین شده



از یوکیئوبو تاتسو









داشتن
همچین
... افکاری

... باعث میشه از
نقطه ضعف هام
متنفر بشم...



بنابر
دلایلی...

... از این چیز
اصلاً خوشم
نمیاد.



باید هر طور
شده این
افکار و از سرم
بیرون کنم...

و روی
برگردوندن
تخمم تمرکز
کنم!

ولی... باید با
این احساسات
چیکار بکنم؟







الان در باره

هیو لای سو چینو کو
بوت میگو!



سو چینو کو؟!
می خوام
در باره ش
بشوم!

وایسا،
وایسا!

وای
وای



ولی همینجور که
پیش میره قلبم
نمی تونه طاقت
بیاره!

این
نا جوانمردانه س...
خیلی
نا جوانمردانه س،
کن تا کاکورا!!



باید توجه
خانم آياسه
...رو

مال...
خودم
بکنم!



نهان جاندارها
فقط جانورهای
تخیلی نیستن!

در حقیقت حدود
صد سال پیش، حتی
گوریل ها هم به
عنوان نهان جاندار
شناخته می شدن!

و من متوجه شدم
که سوچینو کو...

...به عنوان نهان
جاندار شناخته
شده که می تونه
گوریل بعدی
باشه!



این منو یاد افسانه
روستامون درباره مار
غول پیکر انداخت!

انگاری یه معبد
۲۰۰ ساله قدیمی
هم براش اختصاص
دیدن.

معبد
سوچینو کو.

واو!





منم
می خوام
ببینمش!

...ولی همین چند
وقت پیش با
چشمای خودم
دیدمش!

میگن که
تقلیه...

اون عکس هیولای
افسانه ای به اسم
«عکس جراحی»
شناخته میشه.



حالا که درباره ش
فکر می کنم، این
اولین باریه که...

...جز خانم آیاسه با
یکی دیگه اینطوری
حرف می زنم...



چدی؟!

پشمام...؟



حال
میده...



واقعاً به عنوان یه
دوست بهت
احترام می ذارم،
می دونستی؟!

او کارون،
عالیه!

تو درباره
همه چی
می دونی!



ولی تو
دوست
مومویی
درسته؟



پس
اینطوری
دوست منم
محسوب
نمیشی؟



چی؟ انکته
اشتباه
گفتم؟

یه... یه
دوست..

باه-

هاه!

خیلی
شوکه
کننده س
!

تنفس!



مومو، منواز
دایره رفاقت
بیروننداز!

تو در باره ش
نمی دونی جیجی!

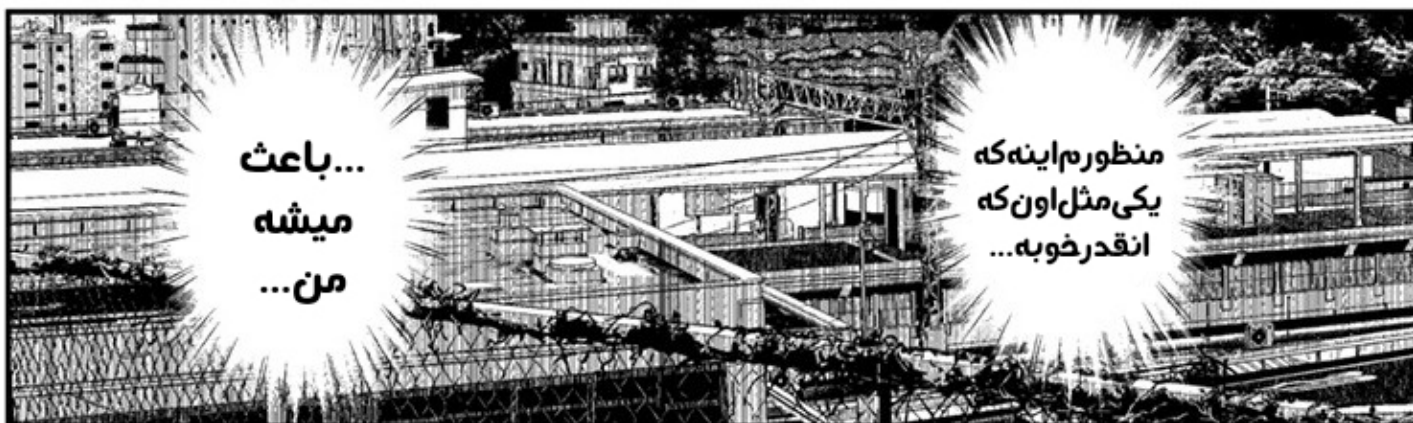


بخشید. به
هر حال من
یه آدم بد
قلقلم...

گاه!

گفتم
انقدر اینو
نگو!

هاه؟! داستان
چیہ؟! چرا نباید
بگه؟!





کیف کن: مشیت موشکی — کیف مومو: پودنجی یویو



